

# حقیقت

شماره ۱۱۰ ۳ اسفند ۱۳۵۹

## طرفداران مذاکره و سازش حرف دل تجاوزگران بعثی را میزنند

در این اواخر که دشمن تجاوزکار بعثی از نیل به بیروزی سریع نظامی نومید شده بیش از پیش از صلح و سازش دم میزند و میکوشد در میان رزمندگان جبهه های مارو حیه سازشکارانه ای را دامن زشد روحیه ای که بر اثر خشکی و ضعف فرماندهی سیاسی در شرایط سه بقیه در صفحه ۳

سرمقاله

## آتش استقلال بجان ابرقدرت ها و مزدوران بعثی پتک آزادی بفرق استبداد طلبان حزب جمهوری

کرده ام آبی توده ای مردم تهران در سالروز قیام بهمن ماه در میدان آزادی بار دیگر پتک را ساخت که برخلاف تبلیغات امپریالیسم و عمال دست نشانده اش در ایران و بر خلاف تلاشهایی که از همه سو برای بی اعتبار کردن انقلاب ایران صورت میگیرد مردم این سرزو بوم به انقلاب خود متعهدند و همواره آماده استقامت و بیعت خود را با این انقلاب تجدید کنند. گروه ام آبی توده ای ۲۲ بهمن در همین حال شان دادگاه دارو - دهنه رهبری حزب جمهوری اسلام می و شرکای استان در میان روحا نمون و عمیرو حانمون که همواره محیلاسه میکوشند تا این انقلاب را بنام خودشان بشین برسانند و پیشانی مردم را از

## پیام رفقای زندانی

مفحه ۲

## نامه ای از یک خانواده زحمتکش شوشتری به حقیقت

مفحه ۹

## شهادت شاهد حق و باطل است

نوشته: زبیرا یکی از رفقای کارگران از هوا ز برای درج در "حقیقت" برای ما فرستاده که دریا دگر دوشن از کارگران بقیه در صفحه ۱۳

## بیاد علی فدائی معلم مبارز کزمان که بدست اشرا ر حزب جمهوری نا جوان مردانه ترور شد

مفحه ۷

## دفاع از حزب دمکرات دفاع از ضد انقلاب است

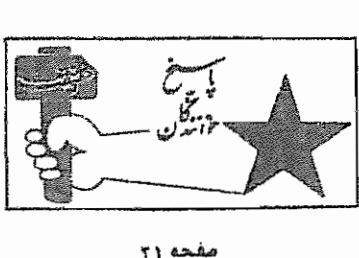
مفحه ۳۰

## توطئه جما قدران علیه لا هوتی محکوم است

مفحه ۱۷

## پاسخ به خوانندگان پیکار

مفحه ۱۱



## اخبار کارگری

یک کارگردن باره توطئه های حزب جمهوری مینویسد  
مفحه ۱۵  
آنچه در کارخانه یارلون رشت می گذرد  
مفحه ۱۴  
کارگران مبارز شرکت واحد اصفهان علیه حزب جمهوری  
مفحه ۳۰

## لازمست ارتشی انقلابی پایه ریزی شود!

مفحه ۵

بقیه از صفحه اول —  
 مردمی که در روز ۲۳ بهمن در میدان آزادی جمع شدند همان توده‌ای بودند که نیرو و پتان دو سال پیش از این طومار سلطنت ننگین پهلوی را در هم پیچید. آنها همان کارگران و خرد بورژوازی شهری بودند که در آن روزها فریاد آزادیخواهانه این ملت را در قیام ملی بزرگ بر علیه رژیم سلطنتی به گوش جهان رسانیدند و اینک این توده میلیونی با شرکت در این برنامهنه تنها فدیت خود را با امپریالیستها و عمالشان که بنا بر روی این انقلاب وجد افتادند توده مردم را از آن تبلیغ میکنند نشان دادند بلکه به این تجمع به مناسبت عرصه‌ای نگریمتند که در آن فریاد اعتراض خود را بر علیه آنها رگزان استبداد جوی حزب جمهوری نیز برکشیدند. بی دلیل نبود که از مدت قبل از برگزاری مراسم اعوان و انصار حزب جمهوری اسلامی در نقاط مختلف شهر به تبلیغ بر علیه آن دست زدند و کوشیدند تا هر ترفندی و توطئه‌ای را بکار برند تا از تجمع مردم در میدان آزادی جلوگیری کنند. و بسا بی دلیل نبود که در میدان هم همین چاقو داران و هم پیوندان "توده‌ای" آنها کوشیدند تا با تحریک مردم به طریقی مراسم را به زود و خسرود خیا با ضی تبدیل کنند و از آن برای نقشه‌های خطرناک آزادی کشانه آینه‌ده خود سود جویند.

اما بهر حال مراسم بزرگ داشت انقلاب بهمن در میدان آزادی برگزار شد و بگوری چشم تمام مرتجعین شعارهای دشمن آزادی کیه بهشتییه، بهشتیه، "مرگ بز بهشتی" - "حزب شده رستاخیز" - "تسوده‌ای، چاق دار پیوندتان مبارک" - "منافق واقعی آیت کودتا چی" - "مداوسیمای صااز انحصار حزبی آزادی‌گردد" و بسیاری شعارهای دمکراتیک دیگر که لبه تیز خود را متوجه دارو دست‌هاستبداد طلب بهشتی و پاراناش کرده بود زینت بخش نظراتهای مربوطه به این مراسم شد.

شور و اشتیاق جوانانسی که مردم را بر علیه حزب جمهوری به مقاومت و مبارزه فرا میخواندند و استقبال اکثریت شرکت کنندگان از این دعوت آنچنان بود که دیگر تردید نمی توان داشت که نهفت خلق ما حزب جمهوری این حزب عا م استبداد جدید را به مشا به بخشی از آماج حمله خود برگزیده است.

انعکاس این فدیت قاطع مردم ایران با مرتجعین نوپا ست که اینک در میان نیروهای حاکم نیز تجلی می نماید. پیام آیت الله خمینی به مناسبت ۲۲ بهمن که در آن از دخالت های بیجای روحانیون در امور که در آن فاقد ملاحظتند سراز نگرانی شده بود همراه با پیام های روزهای قبل و بعد از این واقعه که در آنها به خطرات ظهور یک دیکتاتوری در جامعه اشاره شده و همچنین اعتراضات پاره ای از نزدیکان و باران اصام نسبت به اعمالی که در حقیقت حزب جمهوری اسلامی سردمدار آن است بی شک از این موج در حال شکل گیری اعتراض تسوده ای متاثر است. همچنین آقاسای ضعیف در که مدتی است فدیت حزب جمهوری اسلامی با اسامهای جمهوری و ارنیز به تکاپو واداشته است هم در این روز

از پاره‌های نقشه‌های جنساح ریگان از راهزنان امپریالیست آمریکا بی‌حزب تسوده از نوکران ابر قدرت روس پرده برداشته و نشان داد که چگونه همه‌جا نخواران، امروز، در جامعه ما از استبداد جوی های حزب جمهوری اسلامی سود می جویند و چه سان نقشه‌هایی از ابر قدرت‌ها در ایران دقیقاً در جریان رهبری کننده، حزب جمهوری اسلامی بیکدیگر پیوند خورده است.

در رابطه با آنچه در روز ۲۲ بهمن گذشت بی تردید باید دانست که توده‌های مردم ما اگر چه از فدیت محافل ملی جامعه بورژوازی ایران با حزب جمهوری استبداد جوا استقبال میکنند اما محدوده تنگ لیبرالی و سازجویی ایشان هرگز نمی تواند آتش عصیانسی را که در میان توده‌های مردم ما بر علیه این خائنین به شکل میگیرد، مهار کند. توده‌های مردم در این مورد هم از رهبران خودگامها جلو تر نند و آماده میشوند تا گامهای بیشتری به پیش بردارند.

روز ۲۲ بهمن در واقع روز افشای حزب جمهوری و شرکای "توده‌ای" آنها شد. رهبران تسلیم طلب حزب جمهوری که با طراحی برنامهای آزادی گروگانهای آمریکا بی وسه زگردن شعله‌های سازش در جنگ ایران و عراق این روزها در عین تن دادن به سازش‌های خفت بار با دشمنان انقلاب ما همه مخالفین خود را به سازشکاری با امپریالیسم و فدیت با انقلاب محکوم میکنند و به هر جریانی مخالفی انگ لیبرالی می چسباندند. اما در سالروز انقلاب بهمن توده‌هایی که خودستون اصلی این انقلاب بوده‌اند و برای بزرگداشت انقلاب بگری خود به میدان آمده‌اند و نذا ر خود را از این حزب اعلام کردند. حزب جمهوری اسلامی در مقابلین

توده میلیونی هیچ خواستی ندارد مگر اینکه بخواند از راهزنی و اریگوید که شعارهای این نظراتها هم توارها بی بوده است که از طرف لیبرالها پر شده و حتماً از کشورهای غرب به ایران سرازیر شده‌اند!

رهبران حزب جمهوری همچنین با دیدن آنکه از این پس استفا ده ز نام آیت الله خمینی برای توجیه حرکات استبداد جویانه و تسلیم طلبانه اشان آسان نخواهد بود. پیام خمینی در این روز و چند روز قبل و بعد از آن به وضوح نشان می دهد که خمینی با وجود گرایشات مشروعه طلبانه و سازجویی با حزب جمهوری و روحانیون مربوط به آن علی‌رغم دارو دست‌ها کام بر حزب همچنان که در مبارزه قاطع خود با رژیم استبداد سلطنت و در پشتیبانی خویش از نهضت ضد امپریالیستی نشان داد از قماش این آقا بان نبوده و نیست.

تمامی این وقایع درس‌های مهمی برای طبقه کارگر و تمامی مردم ایران دارد. اولین و مهمترین درس این واقعه آنست که انحصار کارگران جمهوری که به انقلاب ما خیانت میکنند بیحق با دید آماج حمله انقلابی خلق در جهت استمرار و دفاع از انقلاب قرار گیرند. در این مورد بخصوص نیروهای آرمانجو و ترقیخواه ضد امپریالیستی که در جامعه ما تحت لوای امام خمینی مبارزه خود را به جلو میبرند باید به حرکت تسوده‌های مردم به دیده عبسرت بنگرند و بدانند که منجلا بی که حزب جمهوری اسلامی و "توده‌ای" هاتنان را به آن میخوانند در مصوبی با آرمانهای ملت بلکه در فدیت با انقلاب و استقلال ایران است وجه بسا که سردمداران حزبی آسسان را فدای سازش خودشان با نیروهای مخالف سازند و بسا بیسان دستان لوده خود را به

بقیه در صفحه

## طرفداران مذاکره

بقیه از صفحه اول —  
 دراز کشیدن جنگ — هر جنگی —  
 کاملاً امکان رشد و بروز دارد .  
 تبلیغات را دیوشی دشمن و  
 همچنین اعلامیه‌هایی که در این  
 اواخر بعضی‌ها در میان سربازان  
 و سایر رزمندگان جبهه‌های مسا  
 بخش میکنند عموماً دارای چنین  
 مضمونی میباشد . طی اعلامیه —  
 ای از سوی ارتش تجا و زکاسار  
 بعضی خطاب به مردم ایران و  
 ارتشیان ایران گفته میشود که  
 " چرا دولت تهران حاضر نیست  
 این حق را " — یعنی اینکه حق  
 در جانب کیست — " از طریق  
 دیگری غیر از طریق جنگ تعیین  
 کنیم؟ " بعضی‌های تجا و زکاسار  
 در همین اعلامیه از مسردم و  
 ارتشیان ما خواسته اند که به آن  
 راهی که با مصلحت " دولت  
 تهران میخواهد " ، یعنی  
 " طریق جنگ " نروند و حاصل  
 مذاکره و سازش میان با مصلحت  
 " دو خلق مسلمان " را بپذیرند  
 . در آخر همین اعلامیه می‌آید :  
 " ما بنام اسلام میخواهیم تنها  
 میانجیگری مسلمانان را در  
 عتوقف ساختن خونریزی میان  
 جنگجویان دو خلق مسلمان  
 بپذیریم . " معنای این پیش —  
 آنها دارند نیست که مردم ایران در  
 شرایطی که بخشهای بزرگی از  
 نواحی مرزی کشورشان در چنگال  
 دشمن می‌باشند مستعد است از  
 جنگ بنویسند و یا میانجیگری  
 با مصلحت مسلمانان یعنی دولت  
 مرشح و همپا لگی بحسبست در  
 منطقه وارد به بحث و مذاکره  
 ضروری‌های اشغالگر بنویسند . و

بعد هم با اینکار خود برای صد ام  
 خائن و حکومت، در حال سقوط وی  
 آبرو و اعتبار بخزند و برای آنها  
 حقوق و امتیازاتی را در کشور  
 ما قائل شوند . تا آنچه را که از  
 راه جنگ نتوانسته اند بدست  
 آورده برای خود تثبیت کنند از  
 راه مذاکره سیاسی بدست  
 آورند و تثبیت گردانند .

این نغمه‌های سازشجوی  
 یانه ، که با چنین ظاهر مخصوص  
 مانهای از جانب می‌باشند ،  
 خونخواهی بعضی سرداده میشود ،  
 بغوی نشان میدهد که دشمن بی  
 آبروی ملت ما ، و همچنین ملت  
 برادر عراق ، در چه وضعی است و  
 به چه مخمصه‌ای دچار گشته است .  
 اربابان بعثت درواشنگتسن ،  
 مسکو ، لندن و پاریس نیک می  
 دانند که جنگ ایران و عراق  
 پس از چهار ماهه مقاصد دلیرانه  
 نه فرزندان فداکار ملت ما و  
 نقش بر آب شدن نقشه تصرف  
 خوزستان و تبدیل آن به یک  
 با یگانها به اصطلاح آزاد شده برای  
 دشمنان سرنگون شده انقلاب ،  
 رژیم منغور و فاسد خائن بعثت  
 را به چه حال و روزی انداخته و  
 اینکه در صورت ادا مدار شدن  
 جنگ و او جگیری غلبان انقلابی  
 در کشور عراق چه وضع و خیمه‌ای  
 برای ابرقدرتها و عمال خبیث  
 آنها در تمامی منطقه خلیج  
 و خاور میانه پیش خواهد آمد .

ملح و مذاکره و سازش با  
 دشمنی که خود بدستور را با سازش  
 و بقصد سرکوب انقلاب در کشور  
 ما راه تجا و زکاسار گرفته و بخش  
 هایی از سرزمین‌های ما را به  
 اشغال در آورده ، به هیچ تسمه  
 نیایی برای مردم ما نمیتوانند  
 مطرح باشند ، صلح و مذاکره و  
 سازش برای چه ؟ هر گاه ارتش  
 تجا و زکاسار بعضی دست‌انگشت  
 خاک ما ببرد و اخته و از مرزهای  
 کشور ما خارج خود بخود صلح  
 برقرار نخواهد شد و در آن زمان  
 هم دیگر نیازی به مذاکره و بحث  
 هیچ سازش و مصالحه‌ای نمی‌باشد  
 . مردم ما تنها یک پاسخ به  
 دشمن انقلاب و وطن خود میتوانند

ننداده‌اشته باشند : گورت را گم  
 کن و به خانه خودت برگرد !  
 ما با تو بحث و مذاکره ای نداریم  
 شته ایم که حالا داشته باشیم ،  
 جز آنکه پس از دفع اشغال و دست  
 اندازی به کشور ما بیاید خسارات  
 ناشی از این تجا و زکاسار و  
 دزدی‌های تراکه توسط ارتش  
 مهاجمت در شهرها و دهات مسا  
 صورت گرفته ، خون بهسای  
 هزاران زن و مردم و کودک بی  
 دفاع را ، که طعمه آتش تسویب  
 و خمپاره و بمباران شما شوکران  
 بی چشم‌رویی ابرقدرتها  
 گردیده‌اند ، تمام و کمال و قلم  
 به قلم تعدیه کنید و جیب‌سرا  
 گردانید . همین ویس !

ولی مردم ایران بایست  
 بدانند ، و هشیار با شنند ، که  
 این نغمه‌های لایه آمیز بعضی —  
 های خائن و این تمناهای صلح  
 و سازش ، که دشمن خونخوار در  
 گوش رزمندگان ملت انقلابی  
 ما فرو می‌خواند ، کاملاً بی تا  
 شیرین بوده و مشتریان متعسددی  
 در میان دولتمردان کشور  
 دارد . در میان همان‌هایی که  
 هیچ رنگ و غیرت ملی ندارند و  
 حاضرند حتی خوزستان برود و  
 آنها بمانند و شرف و استقلال  
 کشور را از دست بدهند شناخته  
 شدن بباط خودکامگی خود از  
 طرف ابرقدرتها و رژیم‌های  
 ارتجاعی منطقه پانیمسال  
 کرانند . بهشتی رئیس دیوان  
 عالی کشور و سرکرده حسرت  
 جمهوری اسلامی ، حزب حاکم بر  
 کشور ، یکبارگی گفتگوئی که  
 در نوار ضبط است — مطلبی به  
 این معنا گفته بود که اگر قرار  
 است نجات خوزستان به قیمت  
 قدرت گرفتن مثلا بنی صدر  
 تمام شود ، بهتر است اهل نجات  
 پیدا نکنند و بر قوای ما شکست  
 حاصل شود . طبعاً کسی که بهمین  
 سادگی استقلال و حیثیت ملی  
 مردم ما را در ازای تصویب حسابهای  
 داخلی قدرت می‌فروشد و بسیاری  
 تحمیل خود بر جامعه به حساب  
 رایگان از فانه و زمین تحت  
 اشغال مردم ما به می‌رود ، بهمین

سادگی هم حاضر به مذاکره و سازش  
 با دشمن خواهد بود و بهمین  
 رایگان بی هم بر سر مذاکره و سازش  
 با تجا و زکاسار بنا می‌آید  
 قبلاً به ما در خواهد کرد . همانطور  
 که بر سر تحویل جا سوسان آمر  
 یکایی به دولت آمریکا کردند و  
 اکنون هم در پی آن هستند که  
 لانه جا سوسی آمریکا را — برخلاف  
 آن نظری که میگفت این حساب را  
 بایست با اینگاه معلولین  
 انقلاب تبدیل کرد . به دولت  
 آمریکا باز پس دهند و بتدریج  
 سایر حقوق نامشروع ابر  
 قدرتها را در این کشور بر سمیت  
 بشناسند . مردم ایران بایست  
 بدانند که افرادی چون بهشتی ،  
 این آخوند درباری که با تا شنید  
 هویدای معدوم در مسجدها عبور  
 آلمان به انجام وظیفه مسئول  
 بود و بعدها در بخش سا نسیور  
 کتا بهای در بی از حساب ویزه  
 نخست وزیری جیره دریافت می  
 داشت ... آری ، افرادی چون  
 بهشتی و همکارانش دقیقاً در پی  
 سازش و مصالحه با دشمن تجا و ز  
 کار و اربابان آن هستند و آن  
 نغمه‌های لایه آمیز صدا م تکریتی  
 و او با نشان بعثت دقیقاً در ذهن و  
 خاطر این قماش طراران سیاسی  
 آشا رخوردان نشان داده و میدهد .  
 با زحرفهای آقای رحاشی ،  
 نخست وزیر با مصلحت مکتبسی و  
 " ابر انقلابی " کشور در پیش  
 خطبه نماز جمعه ۱۷ بهمن در  
 دانشگاه تهران ، که بمناسبت  
 پیش شرط صلح خواسته بودند جناب  
 صدا م به تجا و زکاساری خوب  
 اعتراف کند و حاضر به ترک خاک  
 ما گردد ، جواب باب عیسی و  
 سازشکارانهای به همان لایه‌های  
 عجز آمیز دشمن تجا و زکاسار بود .  
 سیخودن بود که هیچیک از روز  
 نامه‌های صحیح و عصر تهران حتی  
 روزنامه حزب متبوع مسلمان  
 ( " جمهوری اسلامی " ) حاضرند  
 این بخش از سخنان نخست وزیر  
 با مصلحت محبوب و مکتبسی خود را  
 به چاپ رسانند ، و بلکه از تفسیر  
 بی آبروشی این قسمت از سخنان  
 بقیه در صفحه ۲۳

# پیام رفقای زندانی

جامعه از طریق اعمال ساواکی ،  
سرما به داران وابسته بخود و  
فتوایهای مرتجع هوا دارش  
یورش عظیم ونوبنی را سرای  
درهم شکنن انقلاب ایران  
آغاز زده است :

امروز که ابر قدرت سفاک  
روس از طریق فراشان سیاسی  
اش ، حزب گیا نوری و اکثریت  
های سوسیال کمپرا دور میکو-  
شد از این آشفته با زار بسود  
منافع آزمندان و امپریالیست  
لیستی خویش بهره برده و بحای  
یک حکومت فاشیستی آمریکائی  
یک حکومت استبدادی دست  
نشانده ، روسی از قماش افغان-  
نستان و یا اتیوپی بر خاسته ، ما  
مستقر گردانند :

بر کمونیستهای جامعه  
ماست که بر انحرافات "چپ"  
روانه و "چپ" نما باشد ترو-  
تسکیمتی ونیمه آنارشیستی  
ورویزونیستی موجود در میان  
خود پایان داده ، متحد گردند و  
حزب طبقه کارگر را بنا نهند و  
تحت رهبری آن تمامی نیروهای  
انقلابی و آزادیخواه و استقلال  
طلب را متحد نموده حربیات  
ارتجاعی در قدرت را بهمست  
توده های مردم بزرگ کنند و با  
انگاز به کارگران و دهقانان  
و دیگر نیروهای خلقی انقلاب  
دمکراتیک نوین ایران را سه  
سراجام رساننده و خلقهای  
آزاده ، میهن را سوی سوسال  
لیسم و کمونیسم رهنمون گردند ،  
ایستگاری را و افقی  
وانقلابی حفاظت و پاسداری از  
دستاوردهای تمام شکوهمند  
بهن !

مرگ بر آمریکا دشمن اصلی ما !  
آمریکا نقشه میریزد ، شوروی  
مسلح میکند ، چین تاشد میکند ،  
صدام تحا و زمیکند !  
برای دفاع از انقلاب و میهن  
متحد و مسلح شویم !  
چا و دانه با دخالطه ، شهدای سه  
خون خفته ، خلق !

عده ای از هواداران "اتحادیه  
کمونیستهای ایران"

مفط دور و میبتوانند تعیین  
کنند ، با امپریالیسم و ارتجاع  
زخم خورده ، نیروهای ضربه  
خورده ، خویش را با زسازی کرده  
و با تثبیت به همه و هرگونه دسیسه  
و توطئه حکومت بلا منازع و سراسر  
وابسته و استبدادی خویش را  
با ابراء انداختن حمام خون  
مجددا برقرار و خا هداخت و با  
طبقه کارگر را تا زمین رهبری  
خویش اردو کا ه خلق را متحد  
نموده و جامعه ما را به سعادت  
و فیروزی خواهد رسانید ، راه  
سوی نیست !

با امروز که عده ای به سر-  
مداری حزب دلال صفت ، خاشن  
و مرتجع معلوم الحال جمهوری  
اسلامی در پی غصب کامل قدرت  
انحصار طلبانه خود و استقرار  
"استبداد در پرده" دین "مسی  
باشند و برای حصول به ایمن  
مقوم و خا خرد خلقهای ما را چه  
با امپریالیسم غرب به سر-  
دستی آمریکا وجه به سوسیال  
امپریالیسم شرق به سردستگی  
ابر قدرت نو خاسته و سفاک روس  
در ازا ، چند دلار و یا چند روبل  
به جرا چکذا رسد :

امروز که عده ای سرما به  
دارنا سونا لیست و لیبرال  
منش میگویند از نارضایتی  
مردم از حزب کذائی ، رحمت  
کتان ما را به دنیا لجه ، منافع  
طبقه ای خود سد کنند و در نهان  
پت خیال خام استقرار یک  
سظام دیکراسی بورژواشیستی  
غریبی را در سر میرورانسند :  
امروز که خرده بورژوازی  
سنتی متزلزل و گیج در اسن  
مبارزه ، سهمگین طبقه تسی  
عنان خود را هر لحظه به یکی از  
این دودسته میدپارد :

امروز که امپریالیسم  
آمریکا از طریق تحا و آشکار  
نظامی به خاک میهن ما توسط  
مدام مزدور و همچنین برپا  
کردن آشوب و بلسواد درون

بیش رانده و انقلاب دمکراتیک  
نوین مردم ما را به سرانجام  
رساند ، تا راه را برای گذار به  
سوسیالیسم و نهاییت کمونیسم  
هموار گردانند .  
حاصل آنکه ارتجاع قدیم  
از قدرت سیاسی به پایتین  
کشیده شد ، لیکن یک قدرت  
بیگیر انقلابی تحت رهبری  
طبقه کارگر و متکی به وحدت  
کارگری - دهقانی در راه  
جامعه قرار نگرفت ، بلکه در این  
میان شکافی کشوده گشت که به  
طبقات میانی جامعه ، جریانات  
سینا بینی ، متزلزل و مسرود  
اجتماعی مجال داد که زمام  
امور را دست گرفته و تکامل  
بعدی انقلاب را تابع موقعیت  
دوگانه و سازشکارانه طبقه تسی  
خویش قرار دهد .

زمانداران قدرت سیاسی  
بعدا از قیام نه حکومت گذشته را  
نمایندگی میکردند و نه حکومت  
آئنده را ، آنگاه که ارتجاع و  
امپریالیسم برای باز پس  
گرفتن مواضع از کف داده خود  
یورشی نوین آغاز مینمودند ،  
ایسان به پشت زحمتگشان حا-  
مه پنا دبرده و کارگران و دهقانان  
را سیریلای قدرت سیاسی  
خود مسگردا نیدند و آن هنگام که  
خیالشان موقتا از دست اندازی  
امپریالیسم و ارتجاع ساسق  
آسوده میگشت ، با اتخاذ انواع و  
انسام اقدامات ضد توده ای ،  
دمکراتیک و ضد انقلابی در  
سراسر خواسته به حق طبقات  
رشدیده برای پیش رانشدن  
انقلاب دست بدمان بقایای  
ارتجاع و امپریالیسم تسی  
گشتند .

سراسر تاریخ دوسالسه  
تکامل انقلاب پس از قیام ۲۲  
بهمن مهلواز و قایمی است  
که نمایانگر کشاکش میان ایمن  
به جریان اجتماعی میباشد ،  
لیکن سرانجام انقلاب ما را

رفقا ، برادران و دوستان عزیز :  
با درود آتشین به روان  
پاک شهدای استقلال و آزادی  
ایران عزیز ،  
با سلام گرم به طبقه  
کارگر قهرمان ایران  
و با درود به ملت کبیر  
ایران  
و با لخره با سلام به طبقه  
کارگر جهان و همه رزمندگان راه  
ترقی ، سوسیالیسم و کمونیسم  
ما هواداران "اتحادیه  
کمونیستهای ایران"  
فرا رسیدن فرخنده روز ۲۲ بهمن  
۱۳۵۹ را به یکا یک شما یاران  
گرامی تهنیت و تبریک مسی  
گوئیم !

دوسال پیش در چنین سن  
روزی ، خلقهای قهرمان و گسرد  
پرور ایران در مقابل چشمهای  
بهت زده ، ارتجاع محمدرضا  
شاهی و امپریالیسم میسن -  
المللی ، نهضت انقلابی و  
عمیق خلقی و توده ای خود را با  
یک فیام دلورا نه به اوج رسا -  
نید و دستگا ه استبداد سلطنتی  
خاندان اشوار پهلوی ، ایسن  
ملاکان و دلالان امپریالیسم  
آمریکا را درهم کوبیدند ،  
پیروزی شکوهمند قیام ۲۲  
بهمن که خود حاصل تکامل یک  
دوران عظیم مبارزه ، ملی و  
طبقه ای جامعه ما بود بسودن  
شک عظیم ترین و گران بها ترین  
دستاوردهای تاریخ ۸۰ ساله  
طبقه کارگر و مردم ما میباشد  
نظام نیمه فتوای و وابسته  
به امپریالیسم بوده است .  
صهذ ا بدلائل متعدد و بخصوص  
بخاطر هدا ن رهبری پرولتری  
کارگری ، قانگشت ایسن  
قصود حساب با محمدرضا شسا ه  
و اربابان امپریالیست اثنی را  
تا سر حد استقرار یک حکومت  
انقلابی کارگری - دهقانی به

# لازمست ارتشی انقلابی پایه ریزی شود!

نوشته: زیر متن نامه یکی از رفقای ما از جبهه جنگ خوزستان می‌باشد، که چون گوشه‌ای از دردها و گرفتاریهای موجود در جبهه‌ها را - که بطور مکرر از زبان رزمندگان گوناگون اعم از سربا زوپا سدا رودا و طلب شده و یا دیدنی‌های عرضه میگشت - بیان میکند، به چاپ آن اقدام کردیم. باشد که به همتای مردم ما بیافزاید!

در جبهه‌های اهواز بیش از دو ماه سکون حکم فرما بود یعنی از وقتی جلوی پیشروی عراق گرفته شد از طرف ایران نیز پیش روی قابل توجهی صورت نگرفت و دو ارتش در برابر هم باطله چند کیلومتر ایستاده و همدیگر را با خمپاره و توپ میزدند. در جبهه سوسنگرد نیز بعد از اینکه سوسنگرد به اشغال عراق درآمد و عده زیادی با سدا رو نیروهای دا و طلب به تهاوت رسیدند و با حاشیای های زیبا دوسنگرد دوباره آزاد شد ارتش بعضی‌ها آن طرف رود کرخه که در بخش غربی سوسنگرد جاری است موضع گرفتند و نیروهای با سدا رو دا و طلب بسیج این طرف رود در داخل شهر سوسنگرد و ارتش هم خارج از شهر در طول جاده سوسنگرد - اهواز از آن تاریخ تا ۱۵ دیماه (بیش از یک ماه) ایی جبهه سبز خالی را که داشت بعضی ارتش بعضی‌ها سوسنگرد را زیر باران توپ و خمپاره گرفته بود و متقابلا سربوهای خودی آنها را به خمپاره و توپ بسته بودند. سپاه و نیروهای دا و طلب که در درون شهر بودند ارتش را با سلاحهای سنگین نمی‌نالیدند و معتقد بودند که در صورت داشتن سلاحهای سنگین و تجهیزات میتوانستند موثرتر

عمل نما بیند. بعد از چندین عملیات شناسائی که در آن طرف رودخانه در جبهه سوسنگرد انجام گرفت در شب ۸ دیماه در یک شبیخون که تحت فرماندهی سپاه و با شرکت نیروهای دا و طلب که از طریق بسیج به جبهه رفته اند انجام گرفت و به مدت چندین ساعت نیروهای بعضی زیر کبار آبی جی و کالیر ۵۵ و ۳ قرار گرفتند و خسارات حاشی و مالی به آنها وارد آمد. نیروهای بعضی در جواب آتش نیروهای خودی که شبیخون زده بودند با وجود استفاده از سلاحهای از قبیل موثک و کالیر ۵۵ و هدر دادن مقدار بسیار زیادی مهمات نتوانستند هیچ لطمه‌ای به نیروهای خودی وارد آورند، زیرا ارتش حاشیان سرشان را از سنگر حتی بیرون نمی‌آوردند و خوشبختانه فقط مهمات را به هدف سه اطراف و هوا شلیک کرده و در واقع هدر می‌دهند. ایسن است پوشالی بودن ارتشهای ارتش‌هایی که سربا را نشنایایمان و دا و طلبیانه به جنگ نیا مسده بلکه اجبارا و به زور آورده شده اند. در شب ۱۵ دیماه قرار بود همین عملیات با بعد وسیع تر و با استفاده از خمپاره اندازهای که به آن طرف رودخانه هم سرده شدند کارشود و فریبهای دیگر به نیروهای بعضی وارد شود. ولیکن فرماندهی به دلیل اینکه نقشه حمله ۱۵ دیماه را داشت این عملیات را در آخرین لحظات لغو کرد و نیروهای مستقر شده سربا را عملیات شب به این طسرف رود با رگشتند. البته به نظر بچه‌های شرکت کننده در عملیات این شبیخون حتی میتوانست

زمینه را برای پیشروی کلی ارتش در پا نهم مسا عدترکنند و هیچ تضادی با آن نداشت و بی جهت لغو شد. گویا شب ۱۲ دیماه یک گروه از پاسداران یک شبیخون به نیروهای دشمن میزدند که طی آن سه تا تک دشمن منهدم و عده ای کشته و زخمی میگرددند و ۶ تن از پاسداران نیز زخمی میشوند. و بالاخره در ۱۵ دیماه بعد از مدتها رکود در جبهه‌ها پیشروی آغاز شد. بچه‌های بسیج و پاسدار تحویل ارتش (تیب توپخانه، قزوین) مستقر در طول جاده سوسنگرد - هویزه داده شدند و عملیات فرماندهی عملیات آنها را درست نپذیرفت و با تنظیم درستی تقسیم بندی نشدند. زیرا افسران ارتش از شرکت نیروهای غیر ارتشی در جنگ با راحت هستند و تحت تأثیر تبلیغات فرماندهان مرتجع که با نیروهای غیر ارتشی رقابت و دشمنی دارند (زیرا سافتادن استکار عمل بدست نیروهای مردمی مرگ ندریخی خویشتی را می بینند) بسیاری از سربازان هم متاسفانه در دام این تبلیغات افتاده و نسبت به ارتش تعصب پیدا کرده اند. بخصوص با بر خوردهای غیر اصولی و تفرقه افکنانه‌ای که از طرف بعضی از پاسداران صورت میگردد و بین سربازان و فرماندهان ارتش عی و نظام ارتش عی حاکم سربا ارتش فرعی نمی‌گذارند و همه را با سدیستی نگاه میکنند و آنقدر ننگ نظر هستند که به ارتشها به دلیل غیر کمسی بودن می - تا زنده‌ها این دلیل آنها را مورد توهین قرار میدهند (یعنی گذشته از جنبه تضاد حق اکثریت با سداران سببا ارتش و سرانش از مومض را دیگال

که در این جنگ عدم کارائی این ارتش به نفع انقلاب را تجربه کرده اند، متاسفانه جبهه قسری گری و برخورد های تفرقه افکنانه خرده بورژوازی نیز در آنها هست که از طرف حزی‌ها کاملاً این جنبه‌ها من زده میشود و تیغ تیز بطرف بنی صدر بر گرداننده میشود، در حالیکه با پیداز حزب پرسید شما اگر واقعا سببا نظام و فرماندهان ارتش ضدیت داشتید چرا علناً نمی‌گوئید و بر عکس در تمام سخنرانی‌ها از فرماندهان پشتیبانی کرده‌اید و اکنون نیز فقط بنی صدر را مورد حمله قرار داده‌اند. پیشروی پا نهم دی کسه حمله زرهی بود یعنی با استفاده از توپخانه و تانک و هلیکوپتر و نیروهای پیاده در جلو، بسیار موفقیت آمیز بود و با اولیسن حملات بطرف جنوب شرقی بعضی سه طرف پا دگان حمید نیروهای بعضی تا روما رشدند و توپخانه و سنگرهای دشمن بدست نیروهای خودی استا دو چندین تانک و نفر برد دشمن منهدم شد و چند صد نفر به اسارت گرفته شده با آنها نهایت خوش رفتاری انجام گرفت و حتی آنها را در اغوش گرفته و برادرانه بوسیدند و این عمل نشان ایی سود که ناچه حد آگاهی کسانی که در جبهه خودی بودند در شدیافته که سربازان سببا ره، عوامی را دشمن خود ندانسته و رژیم سعت را بدرستی دشمن میداند و سربازان را آلت دست‌هایی که با بد آنها را با رفتار در دست تحت تأثیر قرار دادند با با زکشتشان پیام سربا انقلاب ما به مردم عراق باشد. ایی پیشروی تا شب ادا سه پیدا کرد و نزدیک به ۱۵ کیلومتر پیشروی شد. در ایی فاصله سببه در صفحه ۶

## ارتشی انقلابی

بقیه از صفحه ۵

اقدامات جدی برای سنگربندی محکم و آمادگی برای پیشروی بعدی از نظر مهمات رسانی صورت نگرفت و فرمای آن روز یعنی شام نوزدهم نیروهای بعضی خود را متشکل کرده و حمله به شدیدی را آغاز کردند. در این روز بود که قاچاقچیان بزرگی انجام گرفت که به شهادت نزدیک به صد نفر از فرزندان جانشینان ارمرزویوم تاجا مید. جریان این قرار بود که ظاهرا و منظور که گفته میشود به علت نرسیدن مهمات به تانکها با بیسیم دستور عقب نشینی (حدود ۲ کیلومتر) داده میشود. این دستور به تمام واحدهای ارتش ابلاغ میگردد ولیکن بنا بر اساس دلیلی که هنوز روشن نشده (با وجود تمام سرومدهاهائی که بعداها برآه افتاد و با فشاری پا - سداران جریان حتی در مجلس انعکاس یافت) به واحدهای پاسداران و طلبی که با آرمی جی و مسلسل در صف جلو بودند اطلاع داده نمیشود و آنها بدون حمایت تانک در جلو به محاصره نیروهای بعضی می افتند و هر چند قهرمانانه مقاومت میکنند و تسلیم مزدوران بعثت نمیگردند و لوسی بجز عده قلیلی که از هیلکدجان مالم بدر میبرند نزدیک به صد نفر از پاسداران و جوانانسان دا و طلب جانشینان ملت شهید پرور به شهادت میرسانند تا شهید شویند تمام مردم ایران و بیبینند که چگونه در شرمگاریهای این ارتش و مسامحه ها و خیانت

نتهای برخی افسران ، فرزندان جانشینان قریبانی میگردند. راستی که اگر اینهمه جانشینان و جانشینانیهای سربازان و پاسداران و جوانان دا و طلب نبود و اگر اینهمه از خودگذشتگی ملت ایران در حمایت از جبهه نبود چگونه تلافی تمام خیانت های فرماندهان و عدم کارائی این ارتش صورت میگرفت و در برابر نیروهای متجاوز بعضی میتوانستیم مقاومت کنیم .

روزها نوزدهم نیروهای عراقی به پیشروی پرداختند و ظاهرا بدلیل نرسیدن مهمات به نیروهای خودی - از جانشینان فرماندهی دستور عقب نشینی داده میشود و طی چند روز تمام مواضع پس گرفته شده در روزها نوزدهم دوباره به دست عسراق افتاد و در حال حاضر حتی حاد ه هویزه - سوسنگرد نیز تا مسن شده است . پیشروی روزها نوزدهم نشان داد که هرگاه با عزم راسخ و با یک فرماندهی نسبتا منظم به نیروهای دشمن حمله کرده شود ، در همان لحظسات اولیه آنها از هم پاشیده میشوند بدون اینکه حتی عکس العملی بتوانند از خود نشان دهند ، چرا که سربازان عراقی به دنبال آنها نه برای فرار هستند و هر جا که کوچکترین حمله ای صورت میگیرد آنها با فرار می کنند و با تسلیم میشوند و عراق فقط با تکیه به توپ و تانک و از فاصله چند کیلومتری است که در این جنگ بقا دارند و تنها راه شکستش نزدیک شدن و مورد هجوم قرار دادنش است ، حتی اگر نیروهای زرهی نباشد حداقل با عملیات چریکی - ولیکن افسوس که ما از یک فرماندهی انقلابی و نظام مردمی در ارتش بی بهره هستیم ، اگر اینهمه امکانات و مهمات ایران در اختیار یک ارتش با نظامی مردمی و شورائی و فرماندهی افسرانی مومن به انقلاب و متعهد به میهن و ملت بود بدون شک با اینهمه جانشینان و ورشادتی که رزمند

گان ایران نشان داده اند نیروهای عراقی را درهمان لحظات اول درهم شکستند . این تجربه ها یک بار دیگر نشان میدهد که این ارتش ساختار و پرداخته آمریکا که افسرانش با معیارهای آمریکا و نحوه های شاه به دریافت درجات بالاتر نائل شده اند - یعنی معیار بی شرافتی ، رشوه خواری ، سرسپردگی به آمریکا و بی علافتگی مطلق نسبت به ملت ایران ، این چنین ارتشی با نظام اطاعت کورکورانه اش با رفتار و رابطه ارباب و رعیتی بیسن سرباز و فرمانده ، بدون شک نمیتواند از خاک ایران و از انقلاب ایران در برابر تجاوزات امپریالیسم و مزدورانش دفاع کند و هر چند بنی ممدربان آمدنش به جبهه توانست سروسامانی بسه اوضاع بدهد و حداقل از آنهمه عقب نشینیهای مقدضا نه که در اشخیا نت افسران ارشاد رض صورت گرفت کاسته شد و در نتیجه از پیشروی بیشتر عسراق جلوگیری شود ولیکن جنسب آقای بنی ممدرو همفکرانش با بداندند که با املاجات و با سر طرف کردن این نارسائی و آن کمبودها رفع دلخوری ایسن جناب سرهنگ و با استفا شده و التماس از آن تیمار بر سرای مقاومت در برابر عراق و خلاصه با این نوع برخورد ها نمی توان این درد را مدا و کرد ، ایسن ارتش پوسیده است و با ایسن شرمیم های بنی ممدری هر چند حداقل از پیشروی بیشتر عراق جلوگیری شده ولی بدون شک نمی توان تا به آخر از انفسلاب و استقلال ایران دفاع کرد و حتی در صورت عقب راندن عسراق ما را شای چون فلاحی دردمان این دولت و بنی ممدرو را نسنده میشوند . راستی که تجربه این جنگ حتی به بسیاری از نیروهای خرده بورژوازی مسلمانان و از جمله بسیاری از پاسداران نشان داد که این ارتش به درد این انقلاب نمی خورد و ارتشی

دیگر با دیدن حال از نظر پاسداران ممکن است آلترناتیو سپاه پاسداران باشد ولیکن ما نیز با دیدن لانه فریب د خودمان را بلند کنیم که ارتشی انقلابی رزمنده و انقلابی دا و طلب این سرزمین با دیدن وجود آید و ایسن تنها راه حل است ، ارتشی که در آن مسلمان و کمونیست ، شیعه و سنی ، ارمنی و زردشتی و ... برادرانه در کنار هم می جنگند و بدون از هرگونه انحصار طلبی و مشروع گیری دفاع از منافع زحمتکشان و جانشینان در راه استقلال و آزادی ایران بیوندشان میدهد تا علیه کلیه توطئه های ابرقدرتها و غارتگران جهانی مبارزه نمایند و این تنها راه حل است - راه حلی که بدون شک دار و دسته حسرت جمهوری ، بنی ممدرو حتی پاسداران فدا مهربان ایسن بسدان نخواهند پرداخت و بنا بر این ایجا دش توسط آنها نگاه مکناب وسیع را در اختیار دارند اما مکن پذیر نیست و ما با تکیه بر توده های خلق و با همکاری با کلیه نیروهای مومن به انقلاب و استقلال ایران با تمام فشارها و محدودیتها شای که داریم با دیدن جهت ایجا دش حرکت کنیم - کاری که دشوار است و از زیستنی و بلندیهای زیادی خواهد شد گذشت و بدون شک فوراً با حصول نیست . سکوشیم تا از تجار بی ما نند این جنگ درس بگیریم و مردم را از درسهای این جنگ با خبر گردانیم تا حداقل زمینهای ذهنی و عملی را در این جهت آماده سازیم و با دیدن این که کاراسی ما این است ، هر چند که تا بوجود آمدن چنین ارتشی انقلابی ، از هرگونه امکان و هر طریق که بتوانیم چه در کنار سربازان و چه در کنار پاسداران و ... دا و طلبانه در دفاع از میهن و انقلابمان هر جا که لازم باشد خواهیم ایستاد و انحصار را نیز به سنگری در جهت تحقق آن ما - نهایمان تبدیل خواهیم کرد .

# بیاد علی فدائی معلم مبارز کرمان که بدست اشرا حزب جمهوری نا جوان مردانه ترورش شد

روز پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه دوباره بدست ارتجاع از آستین مشتق اراذل بیرون آمدند و مردم مبارز کرمان علی فدایی در این روز ساعت یک بعد از ظهر وقتی از میمانه گاهش میمانی مدرسه برمی گشت جلسوی در ب منزلش پیش چشم زن و ۶ فرزند دخترش ترورش شد.

علی فدایی که بود و چه گناهی او را ترور کردند؟

علی فدایی در سال ۱۳۲۱ بدنی آدم و تحصیلاتش را در دانش سرای مقدماتی به پایان رساند و در آموزش و پرورش مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۸ وارد دانشگاه تهران شد و تحصیلاتش را در رشته تاریخ و علوم اجتماع

عی شروع کرد و از همان سال در تمام سخنرانیهای دکتر علی شریعتی در حسینیه ارشاد شرکت میکرد و آزادی و آزادیخواهی را در این مکتب و مکتب خلق قهرمانان ایران آموخت و آموزش داد. زمانی که درش به پایان رسید به کرمان آمد و در آنجا مشغول به کار شد.

و یک لحظه از مبارزه و دفاع از آزادی و شرف و انسا نیت از یادش نرفت. وی جزو اولین کسانی بود که اختناق شاهنشاهی را در کرمان شکست و به جنبش مردم

اوجی سوین داد. روز ۲۴ آذر ۵۷ زمانی که جماعتداران شاهنشاهی به مسجد جامع کرمان حمله کردند و آزادیخواهی را مسورد حمله قرار دادند، فدایی اولین کسی بود که جرات کرد حرف بزند، قریباً دگشودما هیئت رژیم را تمام و کمال در سخنرانیهای متعددی در میان مردم و سرهنگمان افشاء کند. زمانی که بهیخاست او بود و ۱۷ نفر سران فرهنگیان کرمان، اما فریاد او در دل همه مردم مستعد

چونکه ازدل برآمده بود، و مردم کرمان پشت سر این مردم مبارز و رهبر دلیر و نترس برافشاندند و آواز شایر حکومت استبدادی را در کرمان به خاک سپردند.

بعدا زقیام، چون واقعا مردم او را نمابینده واقعی خود میدادند و عضویت شورای شهر کرمان انتخاب کردند. اما بعد از مدت کوتاهی که گویا انحصار طلبان و قلد رمنشان از او خواسته بودند که به مردم پشت کند و مقام بگیرد، او استعفاء نامه اش را نوشت. یکی از دوستانش از او پرسید چرا استعفاء دادی؟ فدایی گفت: به خاطر اینکه اینجام نمی توانستم به مردم کمک کنم.

او واقعا بدون درهای تری در سردر راه آزادی و مردم گذاشته بود و تا انتها پیش هم آمد و از خون سرخ هزاران علی فدایی برخو اهدخواست که راهش را ادامه خواهد داد.

فدایی بعد از آنکه انحصار طلبان و اهدافش را که به بند کشیدن آزادی و آوردن استبداد در پرده دین بود، شناخت، به مبارزه با آنها در راه حقیقت و حقیقت و حقوق واقعی مردم ستم دیده برخاست.

فدایی گل سر سید فرس فرهنگیان کرمان بود. زمانی که حدود سه چهار هفته پیش یک سخنرانی از طرف فهیم (رئیس دادگاه انقلاب کرمان) انجام شد، که در آن به فرهنگیان مبارز توهین کرده بود و گفته بود که "نوی کله" مصلحها و مدیرهایی که اجازه میدهند مدارس شلوغ شود سرب میکش و زمین صحران و برایشان گورستان میکنم که همانجا بکشند و جال کنند" شهید فدایی در دفاع از فرهنگیان برآمده و در جلسه ای

که یکی دو هفته بعد فرهنگیان در شهرستان اقبال کرمان داشتند سخنرانی کرد و فهیم را همانند بدکاره ها و فاحشه های دانست که در دوره شاه معصوم جلوی آموزش و پرورش تظاهرات میکردند و فرهنگیان را به فحش می بستند.

یک بار دیگر در دوره حکومت اسلام پناهان قلد رمنش فدایی آزادی و حقوق پناهان پناهنده مردم دفاع کرد و ارتجاع ایندفعه دیگر نتوانست اینهمه رشادت را از یک قهرمان آزادی ببیند و او را با گلوله های زد. به خاک و خون کشید.

آری از خون سرخت لاله های خواهدند و روئید که کرمان لاله زاران خواهد شد و بساد، صدای محلان بیخاستهات را به گوش مردم قهرمانان ایران خواهد رساند که محصل بهای خیز معلمت شهید شد. فدائی، فدائی منادی آزادی، راهت ادامه دارد.

درست از همان دقیقه ای که این نهاد آزادی بر زمین افتاد قریباً دهر چشم و کین مردم بلند شد. هم از روز تا ساعت ۱۰ شب آنها بی که میدادند، بی شاعر و تظاهرات و رژه رفتن از مقابل خانه اش و پزشکی قاتونی کرمان را به لرزه در آوردند و فردا صبح جمعه، مجلسی مقابل خانه اش بود و چون هنوز خبر پراکنده نشده بود حدود چند صد نفر در این مجلس شرکت کردند. آنجا واقعا روئیدن جوانه های آزادی دیدنی بود.

با ران همزمزم و مبارز فدائی سخنرانی کرد و دواشک ریختند برای آزادمردی که قلد ران زد. بدست حزب فدایی ترورش کرده بودند و به عنوان "گروه توحیدی الفتح"

قتل او را به گردن گرفتند. به قول یکی از مبارزان مبارز: یک سرباز فداکار اسلام و آزادی واقعی را، یک سرباز مدافع شرف و انسا نیت و آزادی و مستضعفین را در پناه اسلام میکشند، مردم این چه آزادی است که به خاطر دفاع از حق با گلوله مغزت را سوراخ می کنند؟ آنهم در پناه اسلام.

و دختر مبارز طی بسک سخنرانی گفت: پدر، گناه تو این بود که در دفاع از حق و آزادی هیچگاه از پناهنستی پدرتوزنده ای، چون راهت زنده و سرخست. به کوری چشم دشمنان آزادی یک قطره هم اشک نمی ریزیم و راهت را ادامه میدهیم.

و یکی دیگر از بارانش فریادی ازدل برآورد که: به چه گناهی فدائی را کشتید؟ قاتلان بلید!؟ آری به حرم آزادیخواهی و حق طلبی و پشت نکردن به مردم او را ترور کردند.

قلدر منشان خزی عمدا او را روز پنجشنبه کشته بودند که مردم بخصوص محصلین پرورش یافته شهید علی فدائی در ترم متوجه حادثه بشوند و حریان بخوابد، اما مثل همیشه کور خوانده بودند و چون بیشتر از نوک دماغشان را نمی بینند اینبار هم نیروی توده ها را ندیده گرفتند.

بعدا ظهر هم ساعت ۳/۵ دوباره جلسه ای مثل صبح برگزار شد که ایندفعه جمعیت دوبرابر شده بود و شعارها بی زنده و سرآمده ازدل مردم بود: فدائی، منادی آزادی، راهت ادامه دارد. صیبه در صفحه ۸

**علی فدائی**

بقیه از صفحه ۷  
 ای علی فدائی، توفهرمسلمان مائشی .  
 محصل بیاض غبیر معلمت ترورش  
 عزا عزا ستا امروز، روز عزا ست  
 امروز، دشمنان آزادی ما حسب  
 مقامندا امروز .  
 عزا عزا ست امروز، روز عزا ست  
 امروز، قاتلان فدائی ما حسب  
 مقامندا امروز .  
 قاتلان فدائی، دشمنان آزادی  
 نوکران آمریکا .  
 سرور، چماق، اختناق شیوه  
 شاهنتا هی .  
 طالقانی، فدائی، دیدارستان  
 مبارک .  
 معلم شهیدم شایدت مبارک  
 قاتلان فدائی درپیشگاه ملتست  
 اعدام بایدگردنشد .  
 وبرای ناشیدسخنسان  
 سخنران گفته میشد: الله اکبر .  
 الله اکبر، الله اکبر، درودبیر  
 علی فدائی، معنادی آزادی .  
 درآخربرنامه محرمجمعه  
 اعلام بیک راهپیمائی درمسبح  
 شنبهششد .  
 مقصدراهپیمائی آموزش  
 وپرورش تا مسجدماحب الزمان  
 کرمان بود . (حدود ۸ کیلومتر)  
 حرکت واقعی مردم کرمان صبح  
 شنبه بود . تمام مدارس تعطیل  
 شدانش آموزشان درمفهای منظم  
 بطرف آموزش وپرورش آمدنشد .  
 گروهی آزادارات تعطیل شد .  
 وفرهنگیان مصمود بسیدن  
 استثناء درتظاهرات شرکتست  
 کردندونقریبیا کرمان بیک حالت  
 تعطیل بخودگرفت .  
 وهمه مردم بسیرای

بختیبا سی ازآزادی وشهید  
 راه آزادی علی فدائی سه  
 تظاهرات پیوستند . شکوه  
 تظاهرات عامل گفتن بسبب ،  
 بیش ازصد هزارنفرمردم در  
 مسوف نشرده تظاهرات باخشم و  
 نفرت متحدینگردارچه علیه  
 قاتلان علی فدائی و آزادی و  
 حق طلبی بهپا حاسه بودند و  
 با شما موجودفردیادمیردند و  
 شعارمیدادند .  
 شعارها تماماتشارهای  
 روزقبل که دربالا نشسته شده  
 است ، بودوسطورپراکنشده  
 شعارهای مرگ برارتجاع ،  
 ارتجاع حیاکن - جمعیتونگاه  
 کن ، همبگوش میرسید . اما  
 آنها شی که فدائی را کشتند و  
 ما هبت آنها هم برای همه  
 شناخته شده است ، با پروری  
 تمام ، صفهای کوچکی درست  
 کرده بودند و با پلاکاردهای  
 انجمن اسلامی در جای جاسای  
 صف دست به اخلاگری میزدند و  
 شعارهای کلیشهای ضد انقلابی  
 میدادند . دومینی بسوس  
 متعلق به آنها هم بود که در  
 داخل صف تظاهرات حرکت  
 میکردند که حسب یکسسی از  
 مننی سوسها بوسله مردم  
 رسیده شد و دیگری با کلاشنکی  
 شما مبهاس عنران که خواهر  
 علی فدائی داخل ما شین -  
 است از دست مردم عسزادار  
 کرمان دررفت ، بله ، باردیگر  
 قاتلان فدائی انحصارطلبی و  
 گروه گزائی و چماق سدار و  
 شهیددزدی خود را ثابت کردند  
 و با بی ترمی شما شهید را  
 متعلق به خود دانسته و قاتلان  
 وی را نیروهای انقلابی می -  
 دانستند اما کاری از پیشش  
 نبودند و با شما راهی پرابهت  
 خلقی بیجا حاسه ، تودهنسی  
 محکمی غورندند .  
 خلاصه در این روز تمام  
 تلاش انحصارطلبان و به بند  
 کشندگان آزادی این بود که  
 خود را عزا دار جلوه دهند .  
 چنانکه وقتی صف تظاهرات به  
 مسجدماحب الزمان رسید ،

میکروفن را انحصارطلبان  
 گرفتند و با سن ترتیب از سخن  
 رانی یاران مبارز عدالتی  
 جلوگیری شد و حذر نهید فقط  
 چند کلمه صحبت کرد و از مردم  
 خواهش کرد که وحدت را حفظ  
 کنند . اما با اینحال زمانی که  
 دعوا بر سر میکرفن بودا شمار  
 طلبان شروع به سنگبارانی  
 کردند و با ریدیکریزمنتی  
 خود را ثابت کردند اما مردم  
 بخوبی جلوی درگیری را  
 گرفتند و اجازه ندادند تا بیس  
 ارادل با تحریکاتشان در -  
 گیری ایجاد دشمنان راشاد  
 کنند . ناگفته نماند روزیکشنبه  
 ودوشنبه هم از آموزش و پرورش  
 عزای عمومی اعلام شده است .  
 آری قاتلان دهنش علی  
 فدائی ، مبارز آزادی، فکر  
 میکردند با کشتن او مبارزه  
 پایان می یابد ، اما به گفته  
 ما در پیودر مجلس روزجمعه :  
 "نترسید ، شجاع باشید ، وقتی  
 بوته گللی راد زمین می -  
 کارند هر روز گلها شی از آن  
 پرنیزی شود اما بوته ریشه در  
 زمین دوانده و از زمین رفتنی  
 نیست . اینها چند نفر را می -  
 خواهند بکشند ؟ و ریشه آزادی  
 را چگونه میخواهند از زمین  
 بیرون بیاورند ؟" این سخن  
 کلمات آتشین ما در پیور را  
 باید بر مرق شده ای های  
 کشیفی کوفت که بشیرمانه و  
 مزدور صفقا نه این تظاهرات  
 عظیم شده ای را " محکوم کردند ،  
 آنها خود را محکوم تا ریخ نمودند  
 دهاند !  
 موقع مرگش از محمد  
 ما حب الزمان گروه های چند -  
 صد نفره تشکیل شد و شعارهای  
 با این مضمون مرگ برفهیم ،  
 ارتجاع میلرز ، علی فدائی  
 میرز ، و . . . که همسه در  
 رابطه ما کوسیدن حزب بود داده  
 می شد .  
 درود بر علی فدائی  
 مبارزه راه آزادی  
 راه گلگونست  
 ادا شده دارد

آتش استقلال بجان . . . . .  
 توطئه ای مخفی سازند .  
 درس دوم این واقعه آن  
 است که سازجویی های بسی مدر  
 و آت الله خمینی (هریک سادلی  
 که رینه دریا بگانه طبقا تسی و  
 موقعیت ذهنی نان دارد) با -  
 عت آن میشود که حرکت انقلابی  
 مردم در مدار رنگ بده پستانهای  
 درون حاکمیت محبوس مانند .  
 مبارزه شده ها یا بدین سبب  
 سازشکار رسهای رهبری شک نظر  
 و مصالحه حورا کنارت زنده و راه خروج  
 از بحران کنونی را از طریق سر  
 انداختن این حزب کذاب از  
 اریکه قدرت هموار سازد . تا ریخ  
 مبارزات ضد استبدادی ملت ما  
 نشان داده است که لیبرالیسم  
 و سازشکاری نیروهای سوزو -  
 بی درجا معما نمی تواند راه -  
 گشای حاده غلبه کامل آزادی  
 بر استبداد باشد و این در مبارزه  
 با این حزب مردم فریب که راه  
 استبدادیان تا ریخ را میبرد  
 نیز کار سلاها دق است . در حقیقت  
 لیبرالیسم بورژوازی و ننگ  
 نظریهای خرده بورژوازی سنتی  
 ایران که اغلب با نرضد کم -  
 نیسم هم آغشته است هم امروز  
 نیز توان حرکت توده ای مردم  
 را تضعیف میدهد .  
 سومین درس واقعه ۲۲  
 سهم سزای نیروهای چپ نما و  
 بیگانه از مردمی است که در این  
 روز جدایی از خلق ، که بسدروغ  
 نام کمونیسم بر آن نهاده اند  
 را در گوشه ای از یک خیابان  
 تهران سرافراشتند و بسزای  
 ورشکستگی خود و کمونیسم در -  
 عین شان با ر دیگر شواهدی  
 تا زار اشته کردند .  
 اینان با بدبه تظاهرات  
 هایی که در دل اجتماع میدان  
 آزادی خوانده و سنگرتند و بداندند  
 که این شما شما از لحاظ شمار  
 های خود چه سارا دیکا لشرو  
 انقلابی تر از همه شما پیشات  
 ناشیانه ای بود که اسن گروهها  
 و سازمانها در این روز سزراه  
 انداختند . اسن گروههای چپ  
 بقیه در صفحه ۹۴



**نامه‌های**

**از يك خانواده**

طرف دادگاه زمان جنگ به خانواده مان ابلاغ شده است مذاکره به دادگاه برویم پس از اینکه ما در خواهرم به دادگاه رفتند و روحانی مسئول دادگاه بنام آقایان عباسی و مخصوصاً منتضوی که از روحانیون حزب هستند به ما اخطار کردند که خانه‌ای را که بطور اجاره‌ای در آن مسکن گزیده ایم تخلیه نکنیم ما درم کس اوضاع را اینچنین زورگویی می بیند با اعتراض میگوید: ما خانه‌ای نداریم، جایی نداریم که برویم - منتضوی حزبی میگوید: مگر دست خودتان است، اسبابها یتان را بیرون میریزم - ما درم میگوید: مگر از روی جسورنداشم رد شوید که بتوانید ما را بیرون کنید - و خواهرم در دادگاه میگوید: بعد از آنهمه خون دانه‌ها و نظایرات جمهوری اسلامی میخواهد ما را چادر نشین و آواره بکند عباسی حزبی میگوید: دختر خانم شما

خواهنا با پیدا بنظور بگوییست چون افکار تان را تحت تاثیر قرار داده اند و بالاخره با تهدید زحمتکش شوشتری

مبارزه با زحمتکشان و بیرون راندن آنها از خانه‌ها بشان می باشد و با بدکه در مقابل ایس گونه تعدی و زورگویی هسا ایستادگی کرد با صد (۱) سا شنیدن جراتات شدیداً به

**به حقیقت**

روحانیون مذکوراً اعتراض کرده و میگفت: اگر ما این کارها که زیاد هم صورت گرفته - با این کارها نخواهد پیش برسد جلوی تان می ایستیم و بیرون نشان می اندازیم ارشستر، راهپیمایی و نظایرات راه می اندازیم و با سدار (ش) می گوید: خیال نکند که هر برتا مه و هدمی که میخواهد میتوانند انجام بدهند که بحث بالا گرفت و روحانیون مذکور که اوضاع را اینچنین بر غلطی خود می دیدند لزوماً عقب نشینی کرده و گفتند: بروید با ما محاکمه (خودتان و آنها) کسار بها بید و قرار شد که سعد از دور اگر ساز هم جایی پیدا نشود ما همچنان در همین خانه ماندیم ۲ اطاق به ما حیاطه بدهیم که ما گذشت ۵ روز بها شما می این حربا سات بالاخره طبق قرارداد می که منعقد گردید قرار شد بعدت ۳ ماه مهلت بدهند که ما خانه را تخلیه کرده و بجای دیگری برویم - مانند که تا با هوشیاری و آگاهسی از توطئه‌های این حزب و عمال زورگویی شما می منند از آن گرفته شود و از قدرت سانسط شده و سزای اعمال خود را ببینند.

توطئه‌های "حزب جمهوری اسلامی" نشانگر جدایی اثر انقلاب است.

يك خانواده زحمتکش شوشتری  
۵۹/۱۱/۱۰

**گمگهای مالی دریافت شده**

|                 |          |
|-----------------|----------|
| رفیق الف - ۲۰۰۰ | ۵۰۰ ریال |
| " ب - ۲۲۰۰      | ۱۰۰۰     |
| " ج - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰۰    |
| " د - ۴۰۰۰      | ۴۰۰۰     |
| " ه - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " و - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۱۰۰۰      | ۱۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۱۰۰۰      | ۱۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۱۰۰۰      | ۱۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ش - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " د - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ذ - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ر - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ز - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ح - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ط - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ی - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ک - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ل - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " م - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " ن - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |
| " س - ۲۰۰۰      | ۲۰۰۰     |

# درباره دستگیری اخیر در آمل و چگونه 'پیکار و رزمندگان' در دام جنایتکاران حزب جمهوری می افتند

مردم مبارز آمل ،

روز چهارشنبه ۵۹/۱۱/۲۲ کمبته، مشترک با زمان پیکار و رزمندگان بدون در نظر گرفتن شرایط و ارزیابی از نیروهای سیاسی ... تظاهراتی برپا کردند که در پی آن دارو دسته های معلوم الحاصل وابسته به حزب جمهوری و حزب توده و نیروهای شهرتانی (به تظاهرات در نقش میا نجی) عا تسع حرکت تظاهرات کنندگان شدند و پس از یک ساعت با جمع آوری نیرو، با سنگ و چاقو و گاز و برتاب بمب دستی (سه راهی سا جمه ای) به تظاهرات کنندگان حمله کردند که منجر به شهادت محمد طهما سی (هوادار ساز - ما ن پیکار) و احتمالاً یک نفر دیگر و دستگیری ورخمی شدن ده ها تن گشت ، (جالب اینجاست که نیروهای شهرتانی کسی در نظر هر برای جلوگیری از درگیری آمده بودند فقط نظاره کنندگان را دستگیر می کردند ) روز پنجشنبه نیز همین دارو دسته ها (انجمن های اصلاحی و حزب توده ) در شهرتانی برپا کرده و مانع تحویل جسد شده و حتی برادر شهید را نیز به با دکتک گرفتند . در پی آن شیر هواداران پیکار و رزمندگان دست به تظاهرات کردند که دوباره به این تظاهرات حمله شد و چندین مرد کشته شدند .

مردم قهرمان آمل !

این سیاست عمومی قتل گران حزب جمهوری است که در این جنگ میهنی در صفوف مردم بفرستد تا در روز چاقو حکومت استبداد ریز برده، دین را برقرار سازد و آزادی را سرکوب نماید و از طرف دیگر با تسلیم شدن در

مقابل بر سر راهی را سداندن گروگانهای جاسوس و خرابکاری در جنگ میهنی و ... ) بر استقلال کشور فرید بگوید ، بی جهت هم نسبت گذر صفوف این هستند - گران از آیت آمریکائی گرفته تا عوامل و طرفداران روسیه قرار دارند و با همکاری یکدیگر مردم را سرکوب میکنند . با شکستی که فتنه گران حزب جمهوری در به آشوب کشیدر شهر در آمل از مردم و نیروهای انقلابی خورده بودند و نشان دادند که همانند شهرهای دیگر در بین مردم شهرها نیز از هیچ پایه ای برخوردار نیستند ، سعادت آن شکست حزب اجیسا را دست به عقب نشینی زد و خود را برای تک یورش بزرگتر آماده کرد . هر چند در این دوران هر جا که امکان بود نیروهای سیاسی و انقلابی حمله می نمودند ( حمله شبانه به دفتر است و حمله به نیروهای سیاسی در مدارس و ... ) حزب دست به جمع آوری نیروهای خودش زد و هر چه بیشتر تشکیلاتهای وابسته به خود و پاندهای سیاه (گسروه انقلابی حزب اله ) را گسترده کرد و از همه نظر به خصوص از لحاظ نسایفی تقویت نمود و سخنرانی های زیادی توسط خطبان شد مردمی اش در عرصه شهر و سوزه در دهات گذاشت . تا اینکه سواست تظاهرات میسج روز ۲۲ بهمن را کاملاً در اختیار خود برد و حالت اینکه در این تظاهرات که فرا بود بزرگداشت تمام خوبین با شد در اصل بسسه بزرگداشت کارهای خیانت - آمیز خنثی ها بر علیه سروزهای انقلابی و مردم بود . در تظاهرات تظاهراتی هیچ شعار بنفع جنگ و قیام وجود نداشت بلکه بیشتر تهریک بوده و دادن شعار

های قدمها هدین وضد کم - نیستنها بوده است . در این تظاهرات نوکران و مداحان روسه (حزب توده و اکثریتها) نیز شرکت داشتند . حزب جمهوری با این برنامهای حساب شده تصادفات تا با یک یورش همه جانبه شکست قبیلی خود را جبران کنند تا بتوانند مدتی دیگر به حسابت خیانت با روتگینش با زور چاقو و گلوله ادا مدهد و قدرت بیشتری کسب کند . ما زمان پیکار و رزمندگان بدون در نظر گرفتن این مسائل سدام حزب جمهوری افتادند و طعمه ای برای بین جنایتکاران گشتند . این نیروها که از همان شروع جنگ میهنی ملت ما با سدام جنایتکاران روحا میاننش معوف ملت را ترک کرده و با شعاری انقلابی و چپ روانه به انتظار جنگ داخلی نشستند ، بدون در نظر گرفتن شرایط و ارزیابی از نیروها نشان و روحیه توده مردم بویسسه تا شیر تظاهرات صبح چهارشنبه تظاهرات با اصطلاح "تفرقی" و "مف مستقل" را برپا کردند و عا ضد حرکت های قبیلی خسود هواداران نشان را به یک حرکت رودرس گشاندند . آنقدر جدا از نوده بودند که حتی تظاهرات را در روز تعطیل و در منطقه ای کم جمعیت برگزار میکنند و آنقدر از روحیه توده و احصا سا سان سی حسرت که بر جسم سرخ و داس و جکش و ... ببلند میکنند و آنقدر بدون برنامه هستند که یکساعت جلوی دارو دسته های حما فداری ایستند تا آنها همه نیروها شان را از سراسر شهر جمع آوری میکنند و سر نیروی ابدکتان حمله می - برند و ... این چپ نما سان

ما ساندائشانی هستند که از شدت خشم هیچ راهی در نظرشان و هیچ کاری از دستشان بر نمی آید جز کوبیدن سر و کله شان بیدیوار . سخنی با هواداران سازمان پیکار و رزمندگان ؛ روی سخن ما با شماست . بخود آید و دست بردارید از این چپ نمائی ها و حرکات جدا از توده و طرد کنید آن نارهرا - نی که ادعای رهبری طیفه کا رگر را دارند و در عمل از عهده رهبری یک تظاهرات و ارزیابی از شرایط و پیش بینسی مما شب آن بر نمی آید و با نید که این توده مردم اند ، در عرصه شهر و روستا ، که میتواند نقد قیام را جشن بگیرند و در و دسته های ضد انقلابی و زشکارا طرد کنند و همما سن توده مردمند که میتوانند بر علیه امیرا لیس و ا سق قدرت - ها و عوامل داخلکتان تعرض کنند و آنها را به زباله دان تاریخ بفرستند نه گروه ها و سازمانهای جدا از توده و مبارزات توده . خون شهید محمد طهما سی که بدست عوامل جنایتکار حزب جمهوری وهم دستنی حزب توده و تا نیسند "اکثریتی ها" ربحنه داس درین راه ما مدهد که با سد و با ید در بین توده بسوده و در مبارزات آنان فعالانه شرکت نمود .

هتدا ربه مردم مسبارر آمل ! آگاه باشید و نگذارید چنان سنگران حزب جمهوری که آنی از دست آنان آسوده نیستیم ، همسطور به سرک باژی های خود ادا مدهد و هر روز با کشتن و ترور و دستگیر فرزند ان انقلابی شان زسته (بقیه در صفحه ۲۳)

# پاسخ به خوانندگان

## 'پیکار'

فحاشی میدانستند، هیچگاه (چند ماه پیش) تحریم مطالعه "حقیقت" توسط اعضاء و هواداران نشان را بخشنا مه نمیکردند. لجن پراکنی و فحاشی، که تحریم نمیشود!

اما در اینجا لازمست چندسئوال از گردانندگان "ما زمان پیکار"، و در واقع از هواداران "پیکار"، بکنیم:

۱ - نشریه "پیکار" (۹۱) بر آنست که اتحادیه کمونیستها، در واقع "اتحادیه" رویزیونیستها "ست و یکی از" اشکال بی - نهایت متفانت" رویزیونیسم را (طبق گفته لنین که رویزیو - نیسم "در اشکال بی نهایت متفانت ظاهر میشود") نمایندگی میکند. بزعم ایشان این شکل از رویزیونیسم، که گریبا نگسر "اتحادیه" است، با رویزیونیسم سه جہانی هم فرایست دارد؟ ممکن است نویسندگان محترم این نشریه مختصات این شکل - نوظهور رویزیونیسم را، با ذکرشوا همدلیل و با اتکا به آموزش - های مارکس، انگلس، لنین، استالین و ما شوتسه دون، برای خوانندگان خود ترسیم کنند؟

۲ - نشریه "پیکار" (۹۱) بر آنست که اتحادیه کمونیستها "در حال حاضر مدافع باصطلاح "برداشت انقلابی" از تزه جهان است" و "سرانجام احتمالا سه پذیرش کامل تشروری ارتخا عسی سه جهان تین خواهد داد" و "هم اکنون" هم "ترهات رویزیو - نیستی این تیزا در عمل و در حاصه، ما پیا ده میکند". ممکن است از نویسندگان محترم نشریه، با د شده سئوال شود که اصولا مختصات نظریه رویزیونیستی سه جهان، از جمله "برداشت انقلابی" از این نظریه، چیست؟ ب علاوه میتوان محترما از شما درخواست کرد که پیا ده شدن این نظریه را "در عمل" اتحادیه کمونیستها، که نخستین جریانی بود که بر عیسه این نظریه موضع گرفت و جسر نوشت، با رجوع به اساسا "اتحادیه" و حرکت سیاسی آن در حاصه، سخا نندگان خویش نشان دهید؟

۳ - نشریه "پیکار" (۹۱) مشخصا بر آنست که اتحادیه کمونیستها در "دوره" اساسی" یعنی "دولت و میا رزه" طبقاتی" که "اساسی ترین" مقوله هاشی است که آموزش ما رکسیم با آنها "سروکا ردارد"، ما رکسیم را "کا ملا تحدید نظر نموده" طبعسا منظور نویسندگان "پیکار" از این تحدید نظر کا مل در مقولات اساسی ما رکسیم توسط "اتحادیه"، سیاست متفانت اتحادیه به نیروهای متفانت حاکم کنونی و مشخصا بر خورد دوگانه ما ب سه شخصیت های نیروهای مذهبی و غیر مذهبی وابسته سورژوازی ملی و خرده بورژوازی نظیر خمینی، و همچنین برداشت ما از جنبشها و کشا کشهای سیاسی ایران و سیاست ما نسبت به آنها می - باشد. ممکن است نویسندگان محترم این نشریه با رجوع به آموزشهای مارکس، انگلس، لنین، استالین و ما شوتسه دون و مشخصا تجارب حزب پیروز مندمل زیر ستم، همچنین با مشخصی کردن صف بندی سیاسی طبقات مختلف داخلی و نیروهای امپری - یالیستی خارجی در مهمترین مبارزات سیاسی حداقل دوسالیه اخیر (پس از قیام سهمن ماهه)، ما هیت تحدید نظر طلبا نه، تحلیل - ها و سیاستهای ما را افشا سازند؟

(بقیه در صفحه ۱۲)

نشریه "پیکار" (۹۱)، به تاریخ ۶ بهمن ۱۳۵۹، در بخش "پاسخ به نامه ها" ی خود پاسخ "برخی از رفقا" یعنی خوا - نندگان خویش را در باره "اینکه" چرا به لجن پراکنی ها و فحاشی های "اتحادیه" کمونیستها ی ایران نسبت به خط مشی و عملکرد "ما زمان پیکار" جوابی نمیدهید، نداده اند. ناشران نشریه "پیکار" در چند جمله اول به خوانندگان خود می - گویند که اتحادیه کمونیستها "بعنوان سدی هر چند بسیار نا - چیز و حقیر در برابر بردا و انقلاب دموکرا تیک - فدا میربالیستی خلقهای میهنمان قرار گرفته و بنا بر این از طریق افشا و طرد با بدلیروبی شوند"؛ لیکن در چند جمله آخر گوئی وعده "افشا و طرد" کدائی را به خوانندگان خویش فراموش کرده اند، می - نویسند: "با بدلیروبی که از آنجا که این نیرو [ یعنی "اتحادیه" ] یک جریان ورشکسته سیاسی است که در صف دشمنان خلق و کمونیستها [ البته اینکه منظورشان از کدام خلصق و کمونیستهاست بماند! ] قرار دارد، و آنقدر نا چیز است که به عنوان یک نیروی مخرب با اساسا نقشی در جنبش خلق ندارد، از اینرو میا رزه ایدئولوژیک با این جریان هیچ تاثیر محسوسی در جنبش کمونیستی و انقلابی ندارد و لذا از هیچ اهمیتی بیسر - خوردار نیسوده و افشای آن با سرفا مل ملاحظه ای در جنبش با قی شمیگذا رد و جز خرده کاری و سازمان دادن از مسائل اصلی، هیچ نتیجه ای در بر ندارد".

حقیقتا چا لپ است! تا بداز سر غیظ و استیصال است که نویسندگان محترم "پیکار" سروه کلام خود را سز در باره "ما زمان ما شصیتوا شد سهیم متمل کرده، یک ترکیب منطقیسی از آن نحویل خوانندگان پیرا و جوابی پاسخ خود ندهند، "اتحادیه" باید "افشا و طرد" و "دلایروبی" شود! بفرما شید این گوی و این میدان! افشا و طرد دلایروبی بفرما شید!... ولی نه، نه، نه! لازم نیست "اتحادیه" افشا و طرد دلایروبی شود چون ابتکار "تاثیر محسوسی در جنبش" سدا شنو "خرده کاری و سازمان دادن از مسائل اصلی" است! آیا خوانندگان عزیز "پیکار" متوجه شدند که "چرا" ما زمان یاد شده به "لجن پراکنی ها و فحاشی های" اتحادیه کمونیستها ی ایران جوابی نمیدهید؟ برای آنست که "باید" بدهدو "افشا و طرد" کند، ولی نسا بدیده و افشا و طرد کند!! تا بدیده حساب کرده اند دیده اند وقتش را ندانند و "مسائل اصلی" هنوز روی دستشان مانده!

وای خوانندگان عزیز، ما به شما پاسخ سئوال انسان را میدهم: علت آنکه "پیکار" جوابی به باصطلاح "لجن پراکنی ها و فحاشی های" ما سمیده، برای آنست که جوابی ندارد که بدهد. نمیتواند جواب بدهد، چه اگر نخواهد بدهد، رسوا تومی - شود. زیرا "پیکار"، گردانندگان "پیکار"، نیک میدانند که سطراب "اتحادیه" و باصطلاح اقامه، دعوی "اتحادیه" در برابر خودشان و همپالگی های خودشان - که مجموعه ای از پر مدعا های تو خالی را تشکیل میدهند - "لجن پراکنی و فحاشی" نیسبنا شد، و کسی نمیتواند به ذکر مطالبی ادعایا بت کند، اگر "پیکار" و هم ندیشان "پیکار" حرفهای ما را صرفا مشتق لجن پراکنی و

پاسخ به پیکار

بقیه از صفحه ۱۱

۴ - نشریه "پیکار" (۹۱) خصوصا سیاست ما را در جنگ کنونی بیان ساز "سوسیال سوسیسم آشکارا رومی پرده" میدانند. منظور ایشان طبعا سیاست دفاع طلبی فعال اتحادیه کمسود نیستها در جنگ علیه تجار و زکاران مزدور عراقی و شرکت مسافر جنگ عادلانه و مقاومت جویانه ملی میباشد. بزم نویسندهگان "پیکار" این بمعنای سوسیال سوسیسم است. نویسندهگان محترم "پیکار" ممکن است لطف کرده برای مدلل ساختن ادعای ایشان بفرمایند: ۱- در طرفین این جنگ در ایران و عراق چه طبقات داخلی و نیروهای خارجی قرار گرفته اند و مقصودشان از شعله ور ساختن این جنگ چه بوده؟ چه نقشه ای در کار ریسوده؟ مشخصا طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی عراق و ایران از یکسو، طبقات ملاک خصوصا لایه های فوقانی و بورژوازی بزرگ و وابسته عراق و ایران از سوی دیگر و نیروهای امپریالیستی یعنی واشنگتن، مسکو، لندن، پاریس، بن، و غیره از سوی سوم و رژیمهای ارتجاعی منطقه نظیر شاهان عربستان و کویت وارد و غیره از سوی چهارم و رژیمهای دست نشانده، سراسر آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، همچنین چین روبرویونیستی از سوی پنجم هر کدام دارای چه مواضع و حرکات مشخصی نسبت به این جنگ در عمل هستند (ما تمام سن قضا بسا را در "لین برکنی ها و فحاشی های خود علیه شماروشن ساخته ایم.)؟

۲- هنگامیکه میگویند "جنگ ادا مه" سیاست است منتها بوسا مثل دیگر "معنایش چیست؟ یعنی مثلا در جنگ جهانی امپریالیستی اول، که خیلی مورد استناد و اشاره شماست، هنگامیکه می گویند این جنگ ادا مه، سیاست دوگروه بندی امپریالیستی در سالهای قبل بود، آیا منظور گوینده "ادا مه" سیاست دوگروه بندی امپریالیستی یا دسته بندی به یکدیگر بودیا نسبت به سه حلقه های کشورهای خودشان؟ ۳- اگر فرضا عراق بطور کامل در این جنگ پیروز شود چه نفعی در ایران خواهد افتاد؟ حال اگر فرضا ایران در این جنگ بطور کامل پیروز شود چه نفعی در عراق خواهد افتاد؟ ۴- کدام نیروی عراقی چه انقلابی، چه اصلاح طلب و چه حتی ارتجاعی، فقط بشرط آنکه با دارو دسته خائن حاکم در کشور عراق مخالفی در هر حد داشته باشد، نظرات شما را درباره جنگ در ایران قبول دارد؟ ۵- آیا خیانت ملی، خیانت به میهن، در کشور ما هیچ معنایی دارد؟ اگر دارد، ممکن است مصداق آن در این جنگ مشخص بشریح کنید؟

۵ - علاوه بر نشریه "پیکار" در بخش "پاسخ به نامه ها" ی هودسرا بنظر است که اتحادیه کمونیسمها جریانی "سوسیال نا چیز و حقیر" است، "آنقدر نا چیز" که "مبارزه" ایدئولوژیکی با آن جریانی هیچ تا شرم محسوسی در جنبش کمونیستی و انقلابی ندارد. در ایننگه ما، سوسیالیسم ما، یک جریسان بسیار نا چیز و حقیر و فاقد تا شرم محسوسی در جامعه میباشد، خودمان مقصریم و ندانم شرم، باید بیشتر جان بکنیم؛ اما نه در محاسن با گروهگانی نظیر "سازمان پیکار" و همکیشان آن. بسیاری همین در اینجا دو سؤال و هودن دارد، که محترما از نویسندگان "پیکار" جواب بدها را خواهانیم (البته نه برای خودمان

بلکه برای خوانندگان خودشان): ۱- "نا چیز و حقیر" نسبت به چه جریانی است؟ ۲- "نا چیز و حقیر" نسبت به چه جریانی است؟ در جنبش کدام طبقه، قشر و یا گروه اجتماعی؟ همچنین فاقد تا شرم محسوسی نسبت به کی در بین کدام دسته از مردم؟ در بین کارگران کارخانجات؟ در بین دانشجویان و دانش آموزان؟ در بین روشنفکران (کدام لایه)؟ در بین بورژواها؟ یا...؟ اهمیت این سئوالات از اینروست که معلوم شود بزم نویسندهگان "پیکار" معیار چیز بودن و تا شرم داشتن گروههای کمونیستی در کجا، بسن کدام طبقه و در چه عرصه ایست؟ و بعد میشود پای مقایسه رفتست! فعلا آیا نویسندگان "پیکار" این انگ "نا چیز و حقیر" بودن ما را بعنوان قرص مسکنی برای طرفداران اندک و منفرد خود در جنبش کارگری طرح بکرده اند؟

ما سئوالات خود را در جارجوب آنها مات و دعای نویسندهگان پیکار به اتحادیه کمونیستهای ایران در مقاله "مورد بحث محدود کردیم. اکنون چند سؤال دیگر هم هست، که "پیکار" باید درباره خودش، درباره دعوی ما رکنیست... لنینیست بودن خودش به خوانندگان بدهد:

۱ - آیا تزخرده امپریالیسم با "امپریالیسم ایران"، که روزی سلف ایشان، یعنی محاهدین با اصطلاح ما رکنیست در ساره، رژیمها میدادند، به رهبران سازمان پیکار رکنیستی ربطی دارد یا ندارد؟ اگر دارد، محترما بگوئید این تز را از کدام آموزش آموزگاران بزرگ ما رکنیسم آنها گرفتید؟ از کجا اخذ کردید؟ با خودتان کشف کردید؟ آیا در حال این تز روبرویونیستی بود یا نبود؟ کدام جریانی بر علیه تز نوشت و چه کسی بی سروصدا پس گرفت؟

۲ - آیا این نظریه همان سازمان سلف که معتقد به "شیات شکننده" داشتن رژیمها بود تا حدی که بعد در شرایط اوچگیری انقلاب در کشور ما به نظریه "رکود" جنبش در ایران ارتقاء یافت... بروت گوئی بودیا نبود؟ کدام جریانی علیه آن شرخاست و چه کتبها و چه شفاها به شما سندگان آن سازمان اندر زها داد، وسعدا خیلی دیر بی سروصدا پس گرفتند؟

۳ - آیا این نظر آن سازمان سلف که تمام نیروهای مذهبی توده ای را - بجز چند گروهک نا مشخص که از قرار با خودا بسن سازمان ارتباط داشته - بعنوان "ارتجاع مذهبی" میکوبید، سیکساره بودیا نبود؟ چه جریانی درباره نادوستی آن بسنه آن سازمان تذکر داد، و سپس بی سروصدا پس گرفته شد؟ (که حال دوباره چندی پس از قیام متوسط رهبران "پیکار" تجدید حیاسات پیدا میکنند)

۴ - آیا این نظر آن سازمان که بورژوازی ملی لسیرال، "نا مغز اسخوان" وابسته به امپریالیسم است، از روی سادانسی بودیا نبود؟ چه جریانی ساد رستی آنرا گوشزد کرد، و سپس بی سروصدا پس گرفته شد؟ (که حال این نظر دوباره در سازمان پیکار عود پیدا کرده)

۵ - آیا این نظر آن سازمان که "حبه" واحد توده ای از چند گروه روشنفکری، اشتیاقات جنگ چریکی شهری و... در امرانه مطرح میساخت، درست بودیا نبود؟ چه جریانی درباره ایسن مسائل انتقاد درستی را طرح کرد، که البته همه اش بازی سروصدا پس گرفته شد؟

از این گذشته بگذریم، و از آن دروغهایی هم که رهبران آن سازمان سلف درباره "خائن شماره ۱ و ۲" (که بعد معلوم شد چند نفر "خائن" گذائی دیگر هم بوده اند و به همان (بقیه در صفحه ۱۳)

## پاسخ به پیکار

بقیه از صفحه ۱۲۴

آنکه اساساً جریانی نوکرفتنانه (سوسیال - کمپرادوری) در جنبش کارگری و در جنبش ملی اند؟

۶ - چرا هوشی مبنی گفته بود که با همه میتوان اتحاد کرد مگر با تروتسکیست ها (در جنبش فدای مپریالیستی)؟ چرا ما تروتسکیست های چین را در صف دشمنان خلق قرار داده بود؟

۷ - ممکن است من باب مثال برای خوانندگان خود تشریح کنی که بلشویکیهای روس در جریان واقعه یکشنبه خونین (سرخا ز انقلاب ۱۹۰۵) چگونه صف مستقل خویش را در برابر تروتسکیست ها کشیدند؟ اگر این مثال را برای خوانندگان خود تشریح کردید (البته با استناد به نوشته خود بلشویکیها) ، ارتباط آن صف مستقل بلشویکی را با "صف های مستقلی" که خودتان وهم مشربان سیاسی اتان در ایران موعظه میکنید و تشکیل میدهند، برای همین خوانندگان نشان بدهید.

۸ - .....  
 ۹ - .....

سؤال زیاد است ، ولی پاسخ نویسنندگان "پیکار" بسه همین ها بحد کافی میتواند تفاوت میان اعتقاد به ما رگسیسم و تظا هر به ما رگسیسم ، و همچنین معنا و مفهوم "ویژگی های " "رویزونیسم" "نوظهور" و "سوسیال شوونیسم" آنگارویبی پرده" اتحادیه ، کمونیستها را برای خوانندگان نشریه ، گذاشتی روشن کند .

شهید شاد حق و باطل است ..... بقیه از صفحه اول

شهید شاد هوامی باشد ، ایسن دو کا رگر شهید از رفقای همکار او بودند . یادشان عزیز باد!

شهادت دو تن از کارگران مبارز شهرداری اهواز - سرزن هفتست .

با ردیگردست جنا پتگمار ا مپریالیزم از آستین صدام مزدور بیرون آمد .

از تاریخ ۵۹/۱۰/۵ عده - ای از کارگران به کوی گلستان اهواز رفتند سرکار و مشغول بکار بودند . ناگهان صدای گلوله ، خمسه خمسه آمد ، زدگنار کارگران یک پای به بوق را سوزاند . چهار نفر از کارگران زخمی و دو نفر شهید شدند .

یکی سنا حسن نگرایی که سرکار کرد و دومی بنسام نیاز علی دگمه ای . حسن همیشه از استقلال میهن صحبت میکرد و طرفداری از کارگران میکرد . او میگفت ای کاش روزی باشد که کارگران آزادانه حق خود را بگیرند و بتوانند در میان

ست روز دخالت کنند و خودشان مستقل باشند . یادش گرامی باد!

خاطره ، نیا زفراموش نشدنی است او خیلی مهربان بود ، خیلی دلش بحال دیگران میسوخت . او میگفت کارگران باید آگاه باشند ، باید زیر بار دیگران نروند ، باید متکی به قدرت خودشان باشند و دیگران را با بد ملکات از جنگال ابر قدرتها رها کرد . نیا پدزیر حرف زور رفت ، نیا پدزنسان منت خورد . او معتقد به قدرت کارگر بود . او نمی ترسید! میگفت باید مقامت کسرد در برابر جنگ تحمیلی ، در برابر سازنگاری ، در برابر قلسردی ، حرفها پیش یا دم نمی رود و خیلی بهشترا از این حرفها میسرود . یادش گرامی باد!

شهادت این دو شهید را همه تمام کارگران ایران و همه خوانده تان شریک و تسلیت عرض میکنیم .

سرنوشت دچار شده اند) به ما و دیگر جریانیهای انقلابی ، و همچنین دعای تو خالی آن سازمان سلف (که از قرا ر جنبش کمونیستی با ظهور ایشان آغاز شده و تعیین کننده در جنبش انقلابی اند!) ، که همچنان در سازمان پیکا ر کنونی ادامه دارد (تعیین کننده در جنبش کمونیستی" - از مرمیات کنگره ، گذاشتی اخبارشان و بیاز .) هم بگذریم ، اما :

۱ - ما رگسیسم - لنونیسم مجموعه آموزشهای ما رگس انگلس ، لنین ، استالین و ما شوتسه دون است . آیا سازمان پیکا ر همه این مجموعه را قبول دارد؟ آیا ما شورابن سوان مرجع سلکی میپذیرد؟ استناد به قول خود کند!

۲ - نظریه با صلاح "نظام سرمایه داری وابسته" و مخلفات طلفاتی آن را بر اساس کدام بخش از آموزشهای کدامیک از آموز گاران سلکی ما رگسیسم ، ما رگس ، انگلس ، لنین ، استالین و ما شو ، و با دست کم آموزشهای رهبران شناخته شده و پیروز منسند جنبشهای کمونیستی و انقلابی کشورهای مختلف ، انورخوجه ، هوشی مین ، کمپایل سونگ و ... (قبلی ها و بعدها ایشان) کذب ، کشفیاتکا مل داده و کار تحقیقاتی خود شما در کشور ما در

اینباره چیست و کجاست ؟ این نظریه را اول با چه کسی ، با چه سلکی و متعلق به کدام فرقه و دارای کدام اعتبار بر اساس چه بررسی و تحقیقی در این دنیا آورد؟ خلاصه بگوئید : این را از کجا آوردید (یا هماندیشان آن را کجا آوردند) تا خوانندگان شما هم مطمئن شوند که میان فکری نمان ما رگسیسم است یا چیز دیگری؟!

۳ - آیا شما قائل به مسئله ملی ، و طبقه ملی ، جنبش ملی (به جز مسئله ملیت ها) در کشور ما هستید؟ اگر هستی ، متضمنی است آری با استناد به آموزشهای ما رگس ، انگلس ، لنین استالین و ما شوتسه دون در کشور ما تعریف و توجیه کنید . بر اساس این آموزشها کمونیستها در این مبارزه چه جبهه ای ، از چه گمانی و در زیر چه پرچمی باید بیدار شوند و آوند؟ اشتباهات یا انحرافات جریانیهای "چپ" و راست در جنبش کارگری گذشته ایران در این زمینه چه بوده و چه درسهایی از آنها برای حال میتوان گرفت؟ آیا در ایران هیچ جنبش ملی فدای مپریالیستی در این سال های اخیر بوده یا هست ؟ مشخص کنید؟

۴ - آیا بنظر شما وقتی لنین میگردد مبارزه برای اضافه دست مزد و برای فلان خواست اقتصادیه شوریک مبارزه سیاسی نیست ، پس مبارزه سیاسی چیست ؟ آیا میتوان گفت فلان مبارزه اقتصادیه کارگری ، که در جای خود حقیقت دارد ، مثلا بسک مبارزه سیاسی فدای مپریالیستی است ؟ مبارزه سیاسی برای دموکراسی است ؟ آیا مبارزه برای خود مختاری همیشه یک مبارزه ره مپریالیستی است ؟ آیا ... ؟ استناد به قول آمو رگا - ران کنید؟

۵ - آیا رویزونیسم قماش حزب توده و فدائیان اکثریت با سیاست مپریالیستی ارتباط دارد یا با سیاست طبقه ات ملی غیر پرولتری ؟ آیا این قماش رویزونیستها با اساساً جریانی راست بسمنای نمودن روزوازی خودی در جنبش کارگری اند یا

# آنچه در کارخانه 'یارلون' (رشت) می گذرد

## از زبان زحمتگشان مسلمان

ما هیانه ۱۰۰۰۰ تومان میگیرد. به تو میگویند زمان جنگ است در حالیکه هاشمی ما هیانه ۷۰۰۰ تومان میگیرد تا از تو ای برادر گرامی برادر گرامی رنج دیده مرتباً تمهید بگیرد. زمان جنگ است در حالیکه مثل غریبی را که به اعتقاد اکثر مکاتیبهای قسمت هسان مہارتی هم ندارد ما هیانه ۸۰۰۰ تومان استفاده مینماید. وای بر شما که در جواب فرورفته اید و تنها به این دلخوش هستید که سربرج حقوقتان را میگیرید (حقوقی که تا نیمه برج هم دوام نمیآورد) حق سرویس شما را قطع میکنند در حالیکه آفسایان هیئت مدیره در هر سفر به تهران روزانه ۴۰۰ تومان حق ما موریت میگیرند. وای بر شما که غافلید، شما که میخواهید سخنان هیسای و بیلائی منصفانه بین کارکنان تقسیم شود اکنون ساکت شده اید و در لاک خود فرورفته اید و دیگر نه به تنبلی کوشی اعتراض دارید و نه به طاهری که ۲ ساختمان را یکجا به تصرف خود در آورده اند و نه به غریبی که از راه رسیده و در ویلا ساکن شده است و نه به مهندسین رحیمی که ساختمانهای بزرگ را یک نفره در اختیار گرفته (با توجه به اینکه هفته ای ۳ روز در تهران اقامت دارد).

به دور و بر خود نگاه کنید ببینید که در کارخانه که تا سالها استفاده نشده اند ببینید، در حالی که مدیر عامل به ظاهر انقلابی شما مرتباً از پائین بودن سطح تولید مینالد، کارخانه منسب مور و ملخ کارگر استفاده مینماید. کارگرانی که اکثرشان بنا به سفارش و پارتی به شگری و مثال او معرفی شده و با اینگونه در استاندارای اقوام و آشنائی داشته اند و در این میان بسیاری اینک شما را فریب دهند چند تا هم کارگر اخراجی سابق استفاده مینماید. وای بر شما که از طرف خود بیخبرید تا چه رسیده دفتر مرکزی، زمانیکه شما در گرمای طاقت فرسای استان عراق میریزید آنها کنترولرلم داده و به ریش شما میخندند. باید بدانید که این روزها هر کسی آشنائی با شگری داشته باشد شغل تشریفاتی با حقوق مناسب گیرش خواهد آمد. نمونه اش همیسن آقای الیاسی است که نه مدرک لیسانس دارد و نه معافیست از خدمت سربازی. مدتی در کارخانه با فلاح کارشود و بعد وقتی که آقایان دیدند دستشان روده است او را به تهران فرستادند و در دفتر مرکزی یک شغل تشریفاتی دیگر او دادند و تا زه ترین و حالبتترین این شغلها تشریفاتی شغل پزشکی کارخانه میباشد. شاید از خود سپرسید شغلها و درآمدهای دیگران چه ربطی به ما دارد. باید برایتان بگوئیم که خیلی هم مرسوط است زیرا این به هدر دادن درآمدی است که از زحمت کشیدن شما حاصل میشود و به حقوق دیگران (مفتخواران) افزوده میکرده.

خواهران و برادران عزیز کارگر... ما را استنما کرده اند. این واقعیتی است که دیرباز زود بر ملا خواهد گشت و آنوقت خواهد دیدید که شیطان چو شگری چگونه ما حیل و شیرنگ نزدیکترین دوستش منوری را به ریاست کارخانه میرساند و سفساسش یکی از کارمندان عالی مرتبه استاندارای هاشمی را جز هیئت مدیره انتخاب و به کار میگرداند، و الحق که نقش خود را بعنوان یک مدیر عامل به ظاهر انقلابی چنان شیانه سرای آنا بکه او را

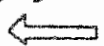
علامیه زیرا ظرف سدهای از ما رزین، بنا نام "گروه زحمتگشان مسلمان" منتشر شده و پسرده از دردیها، عوام فریبی ها وحیف و میل هاشمی که تحت نام "اسلام" و "انقلاب" در کارخانه یارلون صورت میگیرد، سر میسازد.

(( بنا م خداوند در هر کوبنده ستمگران ))  
**به کارکنان گرامی یارلون**

برادران و خواهران کارگر رنج دیده، آنچه را که در زیر می خوانید تنها گوشه ای از واقعیت هاشمی است که در اطراف شما می گذرد و خیال نکنید که شوطنهای در کارخانه تا خدای نکرده کارخانه تعطیل شود و در این اوضاع جنگ زده و مصیبت بار از این حق نا چیز هم محروم شوید، با لنگس ما عقیده داریم که در این موقعیت حساس باید از هرگونه اعتصاب و هرج و مرج جدا خودداری نمود فقط باید دیدگاهها را با شید که شما را ما هر آنه فریبست داده اند و میدهند.

کارگران عزیز چرا در خوابید، چرا خواسته های سرحق خود را فراموش کرده اید. اطمینان نید قبل از این برای چه اعتصاب کرده بودید؟ و برای چه سالها با جیبهای خالی نزد همسسر و فرزندان خجل و شرمند گذرانیدید؟ وای بر شما که کاشانیها، نعمانها و عمرانیهای ملعون و کثیف را از کارخانه بیسرون راندید و خیال اینک شگری ها، منوری ها و هاشمی ها شما را به خواسته هایمان خواهند رساند، وای بر شما که در خواب فرورفته اید و از آنچه که در اطراف شما میگذرد بیخبرید!! تا بدهمه چیز را میدانید ما از ترس اینکه ما را از شما از انقلاب فلکما دکنند لب فرو بسته اید. ما طرف صحبتان با شما کارگران رنج دیده و سخی از سر برستان دلورا است به آنها نیکه حقوقهای نسبتاً "خوب" میگیرند و شب و روز فرسایش صدفه، شگری و مثال او می روند، برای اینگونه افراد رفتی میکنند که کاشانیها مدیر عامل کارخانه باشند یا شندی شگری ها، آنها جاپلوسانه نعلق میگویند و کلیم خود را از آب سرون میکنند برای همین است که شما را با پاداش های ۳۰۰۰۰ تومانی و گاهگاهی ۱۰۰ تومانی سکار میکشند و خود پاداش های کلان ۱۰۰۰ تومانی و بیشتر می گیرند.

زمانیکه سوای برادران یارلون کارگر بیدار ۲ الی ۳ سال سابقه کار ما هیانه ۲۰۰۰ تومان و یا کمی بیشتر دستمزد میسازد کبری و وقتی در مورد کمی دستمزد گلگه میکی به تو وعده طسرخ طبقه سدی میدهند (همان وعده های پوچی که کاشانی حنا یکتار به شما داده بود) و زمان جنگ را بهانه قرار میدهند حال آنکه در همین زمان جنگ ۱۰۰۰ تومان به حقوق کسی چون تنبا کوشی که ما هیانه ۷۰۰۰ تومان میگیرد اضافه میشود. به تو میگویند زمان جنگ است، حال آنکه به حقوق مهندس رحیمی که ما هیانه ۱۲۰۰۰ تومان میگیرد، ۱۰۰۰ تومان اضافه میشود. به تو میگویند زمان جنگ است در حالیکه منوری تازه از راه رسیده با مدرک لیسانس



## حکومت نظامی در محله صدبهرنگی رشت

ساعت ۲ بعد از ظهر روز بیست و دوم بهمن در محله صدبهرنگی رشت (نقشه دشت سابق) که مجاهدین در آنجا مسجدی نیز در اختیار دارند، نمازگزارانی توسط مجاهدین برگزار میشوند. نیروهای سیا سی دیگری نیز چون اتحادیه کمونیستهای ایران، اقلیت و جناح چپ اکثریت فدائیان هر یک نمازگزارانی ترتیب داده بودند و در آنجا شیشه شیشه اعلامیه‌های بیین مردم پخش می شد. جمعیت نیز دسته دسته برای نماز به محله می آمدند و از برنانه‌ها استقبال می کردند. از صبح این روز پس از آنکه در رودخانه‌های حوضب جمهوری و افراد کمیته، با فریب در سرخیال پیاپی کمر در برنانه‌های برای اشغال مسجد فوق بنا کنون با رها بسا نکست رو برورده بود. آنان با بس با ریز در تلاش تصرف ایستادن مسجد و تحت نفوذ گرفتن مردم این محل بودند. حوالی ساعت ۳/۵ بعد از ظهر، یورش تعدادی چنان بدست در محبت با ساران به محله شروع میشوند مردم به رگبار گلوله بمه میشوند. چندین نفر با چاقو و کتک و گلوله زده و کتک زخمی می شوند. مردم محل و آنها نیکمسه برای تماشا آمده بودند پس از یورش در رودخانه حزبی بسا خانه‌ها پناه می برند اصحاب او با شان چاقو و قلمه بدست

## اخباری از گیلان

درب منازل را شکسته و جمع داخل عمارت را با دستگیر کرده و میگرفتند و همه اینکارها را در محبت نینگداران بسا انجام میدادند. با ساران در دهانه محله صد (تقاطیع سردار جنگل) و در طول محله صف میبندند و راه ورود از جانب "دانیال علی" را نیز کنترل میکنند و هر کس را که قصد ورود به محله را دارد مانع میشوند و درست در همین لحظات چاقو کتکی و دستگیر، اوج میگردد و هر کس را که بنظرشان مشکوک می آید گرفتار میکنند. تعداد دزخیمهای حاصل از گلوله زده در بیست و ستان رازی دونه در پور سینا ۴ نفر و در بیست و ستان حشمت دو نفر و مجموع زخمی‌های حاصل از گلوله زده تا ساعت ۷ شب ۲۴ بهمن به ۱۲ نفر می رسد. در بیست و ستان ها، با ساران بسا لباس شخصی و با لباس بداخل بیست و ستان نیز آمده تا بسا اصطلاح ارفراری دادن رحمی‌ها معارضت کنند. با ساران در بیرون بیست و ستان حشمت روی آمبولانس که آژیر کتان خارج می شد رگبار می گشاید. با بسا بهانه که "ایست" وی توجیه نگرده است. تعداد دستگیری‌ها بدنبال این یورش بین ۲۰۰ - ۱۵۰ نفر می رسد و ارتشهای نیز سنانی در دست نیست. از فرار معلوم سه نفر از زخمی‌ها حالشان چندان رضایت بخش نیست. در جریان حمله به خانه‌های محله، یک پیرزن با دین منظمه و حشمت به پیش روی خود، کتک میزند. در محله صد بهمن از بسا یورش، حکومت نظامی برقرار است و افراد مسلح بسا و حشمتی تعدادی ارتشی با چاقو، بسا زخمی محله را تحت کنترل دارند و رفت و آمد مردم محله را تحت

نظر گرفته اند و از کودکان کم سن و سال نیز نمیگذرند و هر کس را که مظنون شود دستگیر می کنند و برای بازجویی بسا کمیته "مدیریه" که بصورت با زدا شنگاه موقت در آمده است می برنند. مردم طی این یورش تنفر و انزجار خود را نسبت به توجه های حزبی و بسا هیان حاصلی آنها آشکارا اعلام میدارند و بیشترین حرکتی که از جانب آنان صورت میگرفت رها نیدن افرادی بود که بزرگترین گد گرفته شده بودند. آنها می گفتند: آشکارا اینها به اسلحه است و آنان هر کاری دلشان بخواد می کنند. ظهر همین روز مراسم در دانشگاه گیلان برقرار بود و بنا بود که لاهوتی صحبت کنند. اما لاهوتی در محلی دیگر حاضر میشود و جمعیت پس از شنیدن این موضوع پراکنده میشود تا به سخنرانی وی بروند و عده ای معدود در حدود ۵۰۰ نفر در دانشگاه ایاقی میمانند. در میان آنان حزب توده ای ها و ساوا کی ها نیز دیده میشوند و بسا نیز حاضر بود و کاگردان مراسم بود. اما چهره‌های سیا با ساران اکثراناشناس بودند و معلوم بود که از جاهای دیگر آمده بودند. سخنرانی در آغاز توسط یکی از افراد سپاه ابرام میشود که بیشتر تکیه اش بر روی جریان بهم خسورن مراسم بسا شکل بود و با فحاشی لجن پراکنی، بسرو هسای مجاهدین و کمونیستها را ستون پنجمی و ایادی آمریکا می خواند و از قدر قدرتی خود بسیار مجبور کوشی میکرد. پس آخونگ بسا ماضی سخنرانی میکند و همان بدوی بر آگوشی را ادامه میدهد. در بیست و ستان سخنرانی همان تا کتیک کهنه شده را که قنون او با سنان حزب اللهی با رها بکا بر سرده است ارائه میشود: یکی از زده بدستان میگوید که "ما همیشه برنانه مان را با بیایان

میرسا نیم و بعد از ظهر هم قصد را به پیما می نداریم اگر راه پیما می صورت گرفت حتما بداندکارمانا فقیه است" لحظاتی بعد همین عده، حزب فقط حزب الله گویان را هسی خیابان ها میشوند و همین ها هستند که ساعتی بعد به محله صد میریزند و مردم را بزرگ چاق و قلمه و گلوله میگیرند. هم اکنون مسجد محله صد در اشغال سپاه است و از آن مرتب نوا زده می کنند. خود محله هم حکومت نظامی برقرار است و از اجتماع مردم محله بر سر در خانه‌ها پشیمان جلوگیری میکنند. سا زماندهی "سیاه و حزب الهی ها در این چند روزه از جریان سیا شکل گرفته است با بسرو بسا رحبا شده بسوده است و بنظر میرسد که برنانه‌ها با بسا زودی بیایان نمی رسد. آشکارا که برای برقراری بسک کودتا ما نورا انجام میدهند و از هم اکنون روی محل های مقاصد و متقاضی رستگینی گذاشته اند.

## اعلام تروریسم علنی از طرف شاخه نظامی!! حزب الله

در روز ۱۱ بهمن ۱۳۵۹ در حوالی کتابفروشی هسای پداقداران "مکتبی" بزرگ شویسی بی از طرف "شاخه" نظامی حزب الله" به دیوار زده شده بود. این مضمون: "از این پس هر کس که فعال نیست سیاسی کند و شناخته شود ضرور می کنیم". البته چاقو سنان "حزبی" فقط موضع و اعمال خود را علنی کرده اند، چه بسا کنون در گوشه و کنار کشور بطور "مظنی" دهها نفر را بسرو کرده اند. البته اگر تا کنون با "مظنی" کاری تروریسم توانسته اند مردم و نیروهای انقلابی را از فعالیت بساز دارند، آشکارا خواهند توانست با تروریسم علنی اینکار را بکنند، کور خوانده اند!!

## يك كارگردار در باره توطئه‌های حزب جمهوری می نویسد:

بار دیگر توطئه انجمن اسلامی با هوشیاری کارگران خنثی شد! در پی مبارزاتی که کارگران پروفیل نیمه سبک بر علیه شورای حزبی (وابسته به حزب جمهوری) داشتند، موفق شدند که این شورای وابسته و فتنه گر را که سیاست های حزب جمهوری را در کارخانه اعمال میکرد دیزیریکشنند. در همین رابطه شوراچی های سابق (حزبی ها) هر روز توطئه جدیدی را برای زدن شسورای جدید آغاز میکنند و با شکست روبرو میشوند. ناگفته نماند که شو راچی های سابق همسای اعضای انجمن اسلامی و رهبران آنها آقاسی پولاد دانشیاران (عضو شورای مرکزی انجمن های اسلامی) می باشند.

در چند هفته گذشته اتفاقاتی در کارخانه از طرف انجمن اسلامی برای کوبیدن وی آبرو کردن شورا روی میدهند که به آن می پردازیم:

چند نفری از "خانه" کارگران به این کارخانه آمده و خواستار ملاقات با شورای جدید میشوند. شورا قبول میکند که با آنها ملاقات نماید. در این ملاقات افراد وابسته به حزب (خانه کارگر) شورای جدید را تهدید میکنند که اگر دست از کسب و بسیدن انجمن اسلامی در کارخانه برند از پدید می بینید. شورا محکم ایستاده میگوید انجمن اسلامی میتواند درون کارخانه غلبه و آموزش های مذهبی و غیره بدهد نه اینکه در مسائل شورا و هیات مدیره اخلال کنند. حزبی ها (خانه کارگر) فکر میکردند اگر این شورا را تهدید نماید شورا بدبخت تر شود و دیگر کاری به انجمن اسلامی نداشته باشد. نه اتفاقان حزبی! اگر شما توانسته اید تهدید و ترور افراد انقلابی جلوی حرکت های فدرالی را بگیرید آنوقت است که میتواند جلوی حرکت شورا را بگیرد. شما حزبی ها امروز میخواهید جلوی حرکت طبقه کارگران را بگیرید. اگر شما نتوانست خوب شما هم نمیتوانید! امروز دیگر کارگران ما هیبت کشیف و ارتجاعی شما را خوب فهمیده اند و منتظر حرکت وسیع توده مردم ما شد! امروز شما نباید که در جنگ اخلال میکنید، امروز شما نباید که با آمریکا لیست ها بخصوص آمریکا بر سر مسئله گروگانها سازش کرده اید، شما منظور که گفتگوی دولتتان در ما حبس تلو بیرونی نمیتوانست به توده مردم در مورد خیانته عظیم جوانب بدهد، شما هم جوانبی ندارید. آری شما امروز با طبقه کارگران ایران روبرو هستید! بگذریم.

بالاخره توطئه اول با شکست روبرو شد. بعد از چند روز که از این جریان جهت دوباره عده ای از حزبی ها (خانه کارگر) آمدند و گفتند که آموزش های نظامی با این طریق "خانه کارگر" انجام میدهند هیچ کس دیگر حق آموزش دادن را ندارد، (ناگفته

نماند که آموزش های نظامی این کارخانه از طریق کانون شو راهای اسلامی پلی تکنیک داده میشود است). دوباره توطئه ای دیگر بر علیه کارگران و شورا. در این توطئه بهانه های مختلف آورده میشود که اینک هر کس که آموزش نظامی میدهد باید "مکتبی" باشد. دوم اینکه از طرف "خانه کارگر" تا شید شده با شو غیره... زهی بیشرمی، آخر توطئه تا کی؟ شما فکر میکنید با این کارها میتوانید کارگران را از آموزش نظامی و جنگ دل سسرد نمائید؟ آری شما امروز با این بهانه های من در آوردی در جنگ اخلال میکنید. و از شرکت کارگران در این مبارزه جلوگیری بعمل می آورید. یا دتان است که کمیته های مقاومتی را که شما بوجود آورده بودید، امروز در کارخانه ها بعنوان هسته های خیرچینی از آنان استفاده میکنید؟ شرم کنید!

شورای جدید و کارگران در جلوی این توطئه نیز ایستادند و بالاخره موفق شدند که دوباره پلی تکنیک آموزش های نظامی را بعد از سه هفته تعطیلی آغاز نمایند و توطئه دوم نیز با شکست روبرو شد.

۹۷٪ از کارگران کارخانه ضد حزب میباشند و زمانی که یکی از اعضای انجمن اسلامی را میبینند متلک و حرفهای ضد حزبی میزنند. روحیه ضد حزبی هر روز بیشتر میشود. امروز این توطئه ها فقط در این کارخانه نبوده بلکه در کارخانه های دیگر هم ادامه دارد که باید با هوشیاری و اتحاد کارگران این توطئه ها خنثی شود.

### آنچه در کارخانه...

بقیه از صفحه پیش

میشناسند و چه ما هر آنه برای شما گاه از ما هیبت او بیخبرید بسازی کرده است. پس ششیا را بشاید و فراموش نکنید که هر روز و قسایعی بپردازد منافع شما در اطرافتان، بخ میدهد و شما از آن بیخبرید.

زنده و با بد را در هیر کبیرا انقلاب اما مضمینی مستحکم با دیو بند و اتحاد کارگران ایران "گروه زحمتکشان ملمان"

سخنسرانی؟  
... اینکه ما مبهفرا ما بدتو...  
مت چشم و گوش را کور و کور...  
طنه هرگز، موضوع توطئه را از کجا...  
فقط تو تشخیص میدی و پس؟  
شاید آنچه را که تو توطئه مینامی...  
من آن را روشنگری نام منهم؟  
اگر ما حق قدرت نیاشی خیللی...  
در درگ موضوعات نظرت فسق...  
میکند. اگر حکومت در دست تو...  
نیاید و کسی بگوید کجا بش کسج...  
است میگوئی توطئه است و...  
اگر حکومت دست دیگری باشد...  
تو چه پوره اطاعت، میبینی که...  
باید برای روشن شدن مسائل...  
امروز و فردا خودت را بسه آت و...  
آتش بزنی و بگویی آنچه را می...

### کمکهای مالی

- ت - ۹۹۰ تهران ۲۰۰۰ ریال
- ز - ۷۸۷ تهران ۱۰۰۰ "
- ج - تهران ۲۰۰۰ "
- ن - دانش آموز ۳۰۰۰ "
- ک - کارمند ۶۰۰ تهران
- پیمان بالف ۱۵۰۰ "
- هوادران سازمان ۲۰ دلار
- هوادران سازمان ۱۰۰ دلار
- در آلمان ۱۰۰ دلار

بقیه از صفحه ۹



# گردانندگان روزنامه صبح آزادگان همان بورژواهای دلال هستند!

گردانندگان "مکتبی" باشد.  
 همین کسان هستند که  
 همواره دم از مکتب و کتب و کتب  
 مستقل اسلامی میزنند و خود  
 دست اندر کاروا سینه کسب کردن  
 افتضا دور عین حال و بیسسه  
 کردن خود اگر اکنون نشده  
 باشند سه بیگانه مینا شنند.

## توطئه جماقداران علیه لاهوتی محکوم است

سار دیگر جماقداران مکتبی به میدان آمدند و ای سار در گیلان به روحا نسسی آزادیخواه و مبارز حجاب الاسلام لاهوتی حمله کردند و قصد حسان وی را نمودند. جماقداران ابتدا از ضدیت با کمونیست ها آغاز کردند، نظا هراب و سما... بنا با کمونیستها در هر سیم ریختند و بسیاری جوانان انقلابی این مملکت را عدای نقشه های کشیف خود نمودند. آنها که اکثر ا در دوران قسمل ا را انقلاب در زیر لوای درود سر حجاب و راس خلق مباحا سسه حمله میبردند، سار قسرا ری حکومت اسلامی توسط حسرب جمهوری و قدا ثیان اسلام سا زمان داده شدند و سر کسوت حرکت های کمونیستی را اولین گام خود در راه حیا ای استبداد قرار دادند. آنگاه سوسست حیا هدیس رسید و در سسرا ن و شهر ستا ثها حوا ثهای ماحا هد جان خود را در راه دفاع از آزادی در ای سرزمین سنار نمودند و ایک دسکر سسست جماقداران به هیچکس رحم نمیکنند. آنها که سال گذشته و سالهای پیش از آن زسرا لوی ترسعت یا سلطنت ظلمی امثال است اللطه لقانی سسا و لاهوتی ها راه جمالی لسن و تقریب میگویند و هواداران سنان را مورد ضرب و شتم قرار میدادند و کشتار میکردند سسا امروز وقتا حرا با بدنا نسسا کنا ثده اند که علنا سسر روی لاهوتی مبارز اسلحه میکنند و قصد جان او را میکنند. استبداد حزب جمهوری اسلامی که بیسسه سهمین دلیل جزا ثرا را سنار وسیع ملت را برخواهند انگیت. خطا سسه اعراضی آقای احمد خمینی که سسا... بیندگان مجلس و گردانندگان روزنامه ها را به مقابله و مسست و مبارزه دعوت نموده است، نمونه ای از زازا نسسی اعتراض است. اتحادیه کمونیستهای ایران که همواره ارمسار زه روحا نسسیون مبارز علیه سسه ارجاع و اسسداد و امبرسان لسن سسسا سی کرده است، امروز نیز ا حیا ای سنن ظالقا نسسی را در ضدیت با استبداد در سر لوای دبی از حجاب سارهای از روحا نسسیون حما یب میکنند. کمونیستهای ایران بخوسی میدا سسکه نسسا و ب میان لاهوتی ها و ظالقا سی ها که مطهر مفا و مت روحا نسسیون مبارز در سسا هجا لهای محمد رضا ثا هی بوده اند یا امثال بیهتتی ها و فدوسی ها که عمری راه سار شکاری و ارجاعی گری گذرانده اند و تنفا و مت مسان آخوند حرا سا سسا در مسان انقلاب مشروطه سا شیخ فضل الله نوری ها سب. طبقه کارگر ایران و سمامی سبروهای ترغیبخواه باید سربا دا اعتراض خود را بر علیه حزب جمهوری اسلامی که امروزه ساساست هایش تسلیم

جمعه ۲۲ روزنامه رسمی ۱۳۵۹/۱۱/۱۳ شماره ۱۰۴۹۸

- شماره ۱۳۵۹۱۱۲۲۳  
 آگهی ماهس شرکت صبح آزادگان سها بی خاص  
 خلاسه اظهارنامه و االقامه شرکت صبح آزادگان سها بی خاص که در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۴ تحت شماره ۳۸۷۸ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۲۳ از لحاظ امضاء ذیل ثبت تکمیل گردیده برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی روزنامه کثیرالانتشار صبح آزادگان آگهی میشود:
- ۱- موضوع شرکت: خرید و فروش تولید و اوردات و توزیع هر نوع کالای مجاز.
  - ۲- مدت شرکت: (۱۳۵۹/۱۱/۲۳) مدت نامحدود.
  - ۳- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان جمهوری اسلامی روزبری مسجد سجاد شماره ۳۰ روزنامه صبح آزادگان.
  - ۴- سرمایه شرکت: مبلغ یکمیلیون ریال منقسم به چهار سهم دوست و پنجاه هزار ریالی بطا م که هشتصد هزار ریال آن به حساب جاری شماره ۳۸۴۳۰۰۳۰۰ بانک ایران و ا این و ا بر گردیده.
  - ۵- اولین مدیران و ا ا یونان حق امضاء: آقایان مهدی سسین ثر، کمال گنجهای و سسعود ستوده حقیقی فرد مدیران شرکت بیانشند حق امضاء با آقای سسعود ستوده حقیقی فرد و یکی از امضاء هشتصد ریبه خواهد بود.
  - ۶- اختیارات مدیر عامل: آقای سسعود ستوده حقیقی فرد مجری مصوات هشتصد ریبه بیانشند.
  - ۷- بازرسی اصلی و علی البدل: آقای محمد علی سبرخانی بازرسی اصلی آقای سسعود ستوده حقیقی فرد بازرسی علی البدل برای مدت یکسال.
- اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری تهران  
 ۱۳۴۹۹-ب  
 ۶۶۳۴۷۸۰ق

**حقیقت**  
 ارگان  
**اتحادیه کمونیستهای ایران**  
 را بخوانید

سها سرفدر سها و ساسودی آزادی را رمینه میجید سسرتکشد. حرت جماقداران ساید رسوا شود و همچون دار و دسته ای مسرور ار محه ساساست ایران ظرد گردند.





با این فرماندهی

بفیه از صفحه ۱۹ —  
 درگیر جنگ بوده ایم. خالکان  
 دیگری بیایند و در خه و افشارش  
 را بگیرند؛ نه خیر، ما در جبهه  
 ها میمانیم و خودمان به عراقیها  
 تک میزنیم و شرفیغ درجه هم از  
 آن خودمان بایستی باشد. بهر  
 ترتیب آن سببی از تیب یک  
 اهو از که در جبهه های نورد و دب  
 خردان مستقر بود در جبهه مانده  
 فقط بعضی هویزه و کرخه کور (جلال  
 لیه) سه پشت جبهه آمده و بیچای  
 آن تیب همان، که یکی از سبب  
 های لشکر فروپاشی است، جای  
 کرس شود و ساعت ۱۰ عصر روز  
 سه شنبه پس از میان ران مواضع  
 مزدوران بعضی در مناطق ضو  
 یر، خالکیه و بشاران شدید  
 یادگان حمید (که پشت جبهه  
 سامی مواضع مزدوران بعضی  
 از همین شهرها مستقر داشت)  
 و وارد جبهه شدن هوا نیروی حمله  
 آغاز نمود. در جبهه پورده نیز  
 با پستی نیروهای خودی مستقر  
 در این جبهه آن بعضی از نیرو  
 های عراقی را که از یادگان  
 حمید تا ۲۷ کیلومتری جنوب  
 اهورا (سردیک سیدنا هر) مستقر  
 هستند، سرگرم کرده تا نیروهای  
 عراقی این جبهه غارتیه پیش  
 باشی نیروهای عراقی مستقر  
 در جلالیه و هویزه متها شدند. در  
 جبهه پورده گردان تا تک ام ۶۰  
 مستقر در ده بیجان در جنوب  
 اهورا و گردان ۱۴۱ پیستاده و  
 گردان توپخانه وارد عملیات  
 شده که گردان تا تک ارماعت ۱۰  
 صبح تا ۴ بعد از ظهر پیشرفت در  
 گیر می نمود و بدلیل اینکه ۴ تا

تک از ۲۰ تا تک این گردان  
 توسط عراقیها زده می شود،  
 دستور عقب نشینی به ایشان  
 داده شده و گردان توپخانه سوار  
 زمین و نیروی هوایی و هوا  
 نیروی از هوا مواضع این قسمت  
 عراقیها را میگویند. این  
 نشت کرد و نیروی عراقی در ده  
 جبهه هویزه و کرخه کور (جلالیه)  
 پس از دادن گفته ها و اسرای  
 زیاد و مو عقب نشینی میکنند  
 (زیرا پشت این مواضع رود  
 حاصد کرخه قرار دارد و پسرای  
 ایشان عقب نشینی به سمت سر  
 ایران و عراق از این جبهه  
 ممکن نبود). یک بخش به سمت  
 سوسنگرد و دیگری به سمت جبهه  
 یادگان حمید. آن قسمت از  
 نیروهای عراقی که به سمت  
 سوسنگرد عقب نشینی میکنند بسا  
 نیروهای خودی در این جبهه  
 درگیر میشوند و تیب هستند آن  
 مستقیما تا نزدیکی یادگان  
 حمید که تا موضع اولیه خوبش  
 ۲۲ کیلومتری مانده داشته است  
 تا یکی هوا پیروی میکنند.  
 البته با پستی این پیروی را  
 تا این مرحله مدیون رشادتهای  
 بسیار بسیاران، درجه داران،  
 افسران جز و پاداران و نیرو  
 های سیخ دانست. حتمی در  
 پیروی نیز فرماندهان از خط  
 مقدم جبهه به پشت جبهه رفتند  
 بودند.

بهر حال در جریان پیش  
 روی شما به طرف یادگان حمید.  
 سرنگ سنا در سرور می دهد که فعلا  
 آتش خاموش شود تا فردا صبح زود  
 یک حمله دیگری یادگان حمید را  
 که از مرتضی هاشمی سرخوردار  
 است، بگیریم. پس از این  
 دستور به تیب در کلبه واحدهای  
 تیب سرگردان سوسنگرد  
 نیروهای زرعی و پادان بسا  
 میگرد. این کار بسیار ساده  
 بود زیرا که سولده و زوهای ریادی  
 از مزدوران عراقی به سمت  
 گرفته شده بود. اما اربالا  
 تنها اجازه کندن سنگسردان  
 شد بلکه اجازه از زمین بسرد  
 مهمات و ادوات جنگی که به

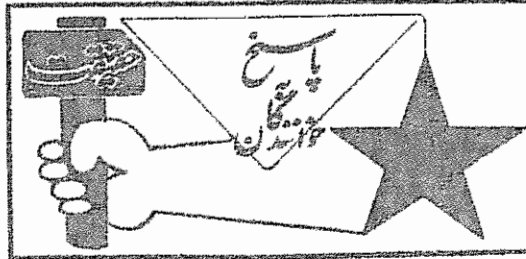
غنیمت گرفتند و ادوات جنگی  
 سریع به مراکزمان نبود داده  
 نمیشود و از همه مهمتر سهوا نگار  
 و شایده خبانی است که هیچ فرد  
 با ندهان این تیب میکنند.  
 هنگامیکه تیب در آرمش تا  
 (آنهم در آن موقعیت حساب)  
 به سر میبرد ۳ تیب مجتهد ساز  
 مزدوران عراقی به این تیب  
 حمله کردند و از نیروهای هوایی  
 و تیب پشتیبانی کمک خواسته  
 میشود (یا حداقل برای رزمند  
 گان ارتشی و پاداران اینگونه  
 وانمود میزند) ولی هیچ  
 کمکی صورت نمیگیرد. بسیار  
 زان، درجه داران، افسران  
 جز و پاداران با رشادت تمام  
 در مقابل مزدوران بهشتی  
 ایستاده و از پیروزی ملت ایران  
 در روز سه شنبه شرافت میکنند،  
 لیکن سرنگ صنا در فرماندهان  
 دیگر این تیب خود عقب نشسته و  
 به جان برگهان میهن میسز  
 دستور عقب نشینی میدهد.  
 این نیروهای رزمنده نیز بسا  
 خود رشادتهای بسیار و دادن  
 شهیدان مجبور به عقب نشینی  
 میشوند و طبق دستور ۵۰ متر  
 عقب نشینی میکنند. این ۵۰  
 متر عقب نشینی رفته رفته به  
 هویزه و سپس تا حاصد حمیدیه  
 سوسنگرد ادامه میباید و حتمی  
 ۲۰ کیلومتری از مواضع اولیه  
 زان به مزدوران عراقی و انگذا  
 رند و حاصد حدود ۲۲ کیلومتر  
 عقب نشینی صورت میگیرد. در  
 این حمله ابتدا نیروهای  
 ایرانی ضربات سنگینی بر نیرو  
 های مزدور عراقی وارد میکنند،  
 بطوریکه حدود ۸۰۰ مزدور عراقی  
 اسیر و ادوات جنگی بسیاری  
 به غنیمت گرفته میشود. ولی  
 تیب همان به دلیل سهل انگاری  
 بلکه حیانت فرماندهان خود  
 این تیب وعدهای دیگر که بسا  
 ما بود می نمود و به نهد شدن جمعا  
 حدود ۴۰۰۰ واحد از منافسان  
 استقلال و آزادی میهن و از دست  
 دادن نظریات سیاسی تبهبران  
 لجن کشی بهرناشیدی برسی  
 سیاسی و بلکه خرابانگاری کرد

هی از فرماندهان میزند.  
 مورد دیگری از خیانت  
 فرماندهان تیب همان (لشکر  
 فروین): در درگیری اطراف  
 هویزه، ارتش بدون اطلاع به  
 سپاه پاداران و نیروهای سیخ  
 عقب نشینی کرده و پشت ایسن  
 نیروها را خالی میکنند و نیروهای  
 مزدور بعضی نیز آنها را محاصره  
 کرده و بیش از ۱۰۰ تن از سپاه و  
 چندده نفر را سیخ (بقولسی  
 ۷۰ نفر) به شهادت میرساند و  
 تعدادی نیز اسیر مزدوران بعضی  
 میشوند. این خیانت آنچنان  
 بی پرده و آشکار بود که بسزودی  
 شایه های دوروزه مردم تهران  
 شهرهای درگیر را به عزای عمومی  
 برای شهدا تبدیل میکنند و سه  
 دستور بنی مرنیز ۳ فرماندهان  
 لشکر فروین اعدام میشوند.  
 خلق ما که اینهمه با تمام  
 ایثار در این جنگ شرکت کرده و  
 با تمام وجود از انقلاب و آزادی  
 و استقلال میهن در برابر  
 کلبه امپریالیستها و رنجین  
 ایستاده است هرگز چون ایسن  
 سر بزان و درجه داران و افسران  
 جز و همچنین نیروهای مسار  
 پاداران و سیخ را سی حو  
 نخواهد گذشت. تمام این خیانت  
 نتها چون بنگ آهنین سنگینی  
 است که مدا م بر سر آن کسان می  
 خورد که از توده ای شدن جنگ و  
 منهدم و مسلح شدن مردم میهر  
 مند و در همین حال ادعا دارند که  
 با اسیر شدنها و خا آمریکا  
 حنا پنگار مبارزه میکنند.

سهل انگاری

یا خیانت

از جبهه نورد: مدتها بود  
 که سر بزان و درجه داران به  
 نحوه تقسیم غذا اعتراض کرده و  
 میگفتند که اگر یکی از گلوله های  
 توپ مزدوران عراقی میسان  
 شمع وسیکی که برای گرفتند  
 غذا درست میشود بخورد، تعداد  
 کثیری تلف خواهد شد و بی شهادت  
 کرده بودند که غذا به صورت واحد  
 شهری (که هوا جداست) از  
 ۲۰ الی ۲۲ نفر و یک نفر سرری  
 بقیه در صفحه ۲۴



### رفیق قلی - (س)

نامه شما را چندی پیش دریافت کردیم. از اینکه در پاسخ به سوال شما تاخیر کرده ایم، بوزش میخوانیم. در این نامه دومورد انتقاد پیشینها دشمن طرح شده است. پیشینها دشمن که پیرامون مبارزات دهقانی در پرتو جنگ کنونی و مسأله لغویند "ج" میباشند، بصورت مبالغه جداگانهای پاسخ داده خواهند شد. لیکن در مورد انتقاد دشمن به موضع گیری نشریه حقیقت در شماره زمیماه ۹۳ در مقاله ای مربوط به "راه کار رگر" توجه شما را به نکات ذیل جلب میکنیم.

شما نوشته اید که در این مقاله سه نکته ای طرح شده بود که چنین برداشتی میباید که گویا شرکت ما در جنگ علیه عراق بمفهوم دفاع از جمهوری اسلامی است" با رجوع به متن مقاله فوق الذکر، جمله بندی مورد نظر در آن مقاله نمیتواند چنین برداشتی را بدهد که دفاع از جمهوری اسلامی به محور سیاست ما برای شرکت در جنگ تبدیل شده است که مفا بر با مواضع سازمان ما ستاد از این رو انتقاد شما را وارد میدانیم.

از طرف نیروهای مختلف سیاسی پاشهای متفاوتی در مقابل رابطه جنگ کنونی و حکومت جمهوری اسلامی داده شده است، اکنون بطور اجماع راه اساسی ترین پاسخ ها می پردازیم.

پاسخ اول - موضعی است که میگوید بد دفاع از استقلال میهن مسأله است بسا دفاع از حکومت جمهوری اسلامی. چریکهای اکثریت از جمله چنین پاسخی را داده اند. درمی جا کم چریکهای اکثریت است از آجاشی که محور ستون اصلی انقلاب (اگر سکا رگرفش چنین لفظی جا بزباشد) را در حکومت کنونی میبینند، لذا چنین فرمول بندی نتیجه منطقی آن است. بسیاری چریکهای اکثریت انقلاب در وجود ایسن حکومت خلاصه میگردد و لذا حفظ و تحکیم آن بممنی "ادامه انقلاب" خواهد بود. مثنی چریکهای اکثریت یک سیاست روبرو نیستی است که میکوشد طبقه کارگر و دهقان را به دنبالچه بورژوازی تبدیل نمایند. پاسخ دوم - که عکس برگردان همان

پاسخ اول است، مسأله را اینگونه طرح میکنند که دفاع از استقلال میهن در شرایط کنونی جایز نیست، جنگ عراق و ایران ما هیتا ارتجاعی میباشد و لذا سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی در دستور کار قرار میگردد. جریان "پیکار" از جمله جنبش پاسخی را داده است.

این جریان محور ارتجاع را در وجود حکومت کنونی میبیند و برای اوتفاوتی نمیکند که صف بندی طبقاتی در جامعه و حول قدرت سیاسی چگونه است. و علیرغم اینکه قبول دارد دست کم بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی سنتی در حکومت شریک است و توده های وسیعی از مردم - کارگر و دهقان و رزحمتکش - از حکومت کنونی دفاع میکنند و لوسی از آنها شیکه جامعه ایران را جامعه سرمایه داری وابسته میدانند و شروع صف بندی طبقاتی در درون حکومت بمعنی تحکیم سرمایه داری وابسته است، لذا جناحهای وابسته به بورژوازی (ملی) و خرده بورژوازی را ارتجاعی ارزیابی میکنند. ستاد برای "انقلاب" (اگر بکار رگرفش چنین لفظی جا بزباشد) برای جریانی ما نشد "پیکار" بطور کلی در تخی مطلق کلمه "نیروهای شریک در قدرت و ضدیت بکجا نشد" بورژوازی (ملی) و خرده بورژوازی سنتی معنی میدهد. این سیاست چسب نما یا نه ترو تمکیتی است.

هر دو جریان فوق در عمل نفسش یکسانی را ایفا می نمایند، تحکیم وضعیت موجود.

پاسخ سوم - اینکه مبارزه علیه تاجا و عراق را قبول دارد، لیکن از تاجا و عراق مبارزه، حکومت کنونی در برابر رژیم عراق ابا دارد. لذا بطور تصنعی تاجا و عراق به ایران را تاجا و زبه "توده ها" میدانند و بدینگونه سیاست خود را توجیه میکند. این سیاست انتقادی ستاد چار نقش نوعی میبانی را برای مثنی ترو تمکیتی ایفا میکند.

پاسخ چهارم - محور انقلاب را در اتحاد میان طبقه کارگر و دهقان و خرده بورژوازی میدانند، و معتقد است که پیشرفت این انقلاب در گرو مبارزه علیه

امپریالیسم و ارتجاع است. در سر خوردن تاجا و عراق معتقد است که همه نیروهای ملی و مترقی می بایست با آن مبارزه کرده و از سلطه مجدد ارتجاع و امپریالیسم جلوگیری نمایند. از همه نیروهای سیاسی چه حاکم و چه خارج از مدار قدرت سیاسی، تا آنجا شبکه واقعا علیه تاجا و زگران بعضی و توطئه های اسر قدرت های آمریکا و روسیه مبارزه میکنند، پشتیبانی مینمایند. در عین حال با تمام نیروهای که در برابر این مبارزه ملی و ضد امپریالیستی سنگ انداخته و احلال مینمایند، در جهت طبرد و سرنگونی آنان مبارزه میکنند. سیاست "اتحادیه" کمونیستهای ایران "از جمله چنین سیاستی است.

### رفیق سهراب =

کرمانشاه - نامه مورخ ۵۹/۱۱/۹ شما رسید. از اینکه انتقاد کرده اید که چرا نشریه حقیقت مقالات بیشتری در شماره وضعیت کردستان و گروههای سیاسی آنجا نمی نویسد، بنا بدینگونه که سازمان مسادر جریانی جمع بندی از واقع آما لونیستها اخیر کردستان میباشند که با رسیدن به نقطه نظرات جدید و با تکامل یافته در اختیار خوانندگان حقیقت قرار خواهیم داد. شما میتوانید برخی از این جمع بندی ها را در مورد مقالاتی که در چندین شماره اخیر حقیقت درج شد، ملاحظه نمائید. امیدواریم بزودی جمع بندی کامل خود را در اختیار همگان قرار دهیم.

### رفیق ف - الف - تهران

نامه مورخ ۱۵ بهمن ۵۹ شما به دست ما رسید. ما سعی خواهیم کرد مسأله سوالات شما چه در ستون پاسخ به خوانندگان و چه بصورت مقاله ای جداگانه پاسخ دهیم. در ضمن پیشینها دشمن برای بزرگداشت شهدای سازمان در جنگ علیه متجاوزین عراقی را انجام خواهیم داد. ۲۰ سوال طرح شده در آخر نامه شما درباره چونگی سر خوردن مسأله دهقانی با توجه به ساخت جامعه ایران و برنام عملی طبقه کارگر در فعال دهقانان که پیشتر درباره این مسأله مقالات و جزواتی آمده و با زبم خواهد آمد. سوال دوم که مربوط به انقلاب در کشورهای امپریالیستی است و در حقیقت شماره ۱۵ به آن اشاره شده در همین ستون پاسخ خواهیم داد.

از سوالات شما که تا کنون پاسخی



## طرفداران مذاکره

بقیه از صفحه ۲

ایشان را سا سوپر کردند. چه مسئله، خیلی روش بود که آقای رجائی - که البته عروسکی بی بی در دست حزب حا که نیست - با این شروط مسخره اش فصد داده مان مقدمه چینی های داستان سازش بوسرجا سوسان آمریکا را تکرار کند و از این راه با بخت و مذاکره با صدام و دارو دسته اش - و طبعا و بناچار با اربابان و محرکین صدام - بگناید. آیا آقای رجائی می تواند و می تواند که اعتراف بی عدا عتراف رژیم بعثت به تجاوز کاری خوبی در واقعیت تجاوز هیچ تا شیری نمیگذارد. و از ردالت و خیانت و درجه شرات و رزی و تجاوز و زکا رنمیکا هسد؟ مردم میداند که آقای رجائی و همکارانش با همین شروط مسخره و گمراه کننده بود که سب مذاکره و سازش با آمریکا را بر سر تحویل حاسوسهای آمریکا می گذارند، و چنانکه دیدیم در آخر همه آن آمریکا در راه شرات سها و مذاخلات استعمار گذشته خود در کشور ما اعترافی کرده و جز سرافکنندگی و شکست چیزی عاید ملت ما شد. از همین تجربه قبلی که ملا روشن است که منظور رجائی و طرفداران رجائی از این قضیه با مصلح " اعتراف به تجاوز " از طرف بعثتی های ما - شن چه میباید تدوین زگشائی چه بحثها و امضای چه قرارداد های تسلیم طلبانه ای را با این بعثتی ها - و طبعا با اربابان نشان - در مدنظر دارند. اعتراف میکنند

که چه بشود؟ که چه کسی را ماسع با راضی کنند؟ حق و باطل کا ملا روشن است، و مردم ایران، و همچنین مردم عراق که سرعرب سرای سرگون سازی رژیم فاسد و خائن بعثتی حرکت میکنند، کا ملا میداند که تاج و زکمار کیست و چه مقصدی داشته دارد، و نیازی به اعتراف و افسح از سوی هیچ کسی ندارند. نیازی بدان نیست که آقای صدام و قداره بندگان حاضر به اعتراف حقایق و قبول مرزهای عسادی میان دو کشور شوند. مردم ما تمام قدرت در صحنه جنگ این حقایق را حالی تاج و زکماران خواهند کرد و آنها را از مرزهای کشور خود بیرون خواهند راند، همانطور که مردم عراق هم با قیام خونگه اکنون بطور کسست تا پذیری با جنگ مقاومت مردم ایران به هم سر نوشتی رسیده است، تکلیف صدام و دارو دسته جنایتکارش را روشن خواهند کرد. نمیخواهد حاضر به بیرون رفتن شوند، قول و قرار می دهند. تورشان خواهیم زد و بیروشان خواهیم انداخت، و قول قرار تنها با ملت برادران عراق است و تنها با او خواهد بود! آنها می که می - خواهند با صدام و ارمدا کسره شوند و قرار و مذاکره بگذارند، بدانند که مردم ایران هیچ قوم و خویشی با ایشان نداشته و وعده آنان با مردم داغ دیده و کین خواه کشور ما هم اکنون فرار سیده و محل تعیین تکلیف اول ایستاد!

تسها راه حل رفع محاصره در مرزهای ایران و برقراری صلح عادلانه ای که منفع خلق - های دو کشور ایران و عراق با - شدا دامه جنگ با تاج و زکماران و بیرون راندنشان از خاک کشور است. و ملت ایران در صورت حفظ و تحکیم وحدت خویش، محکم جمعیدن به سلاح و عسدم شتا بزدگی در شیل به پیروزی یقینا پیروز خواهد شد و با پیروزی و زنی خود نه تنها پایه های استقلال کشور خویش را مستحکم

## پاسخ به خوانندگان

بقیه از صفحه ۲۲

رایا سخ گفته ایم، انتفا دکرده اند که یکسال پیش از زمان موضع دفاع از جلال طالبانی و انقلابی دانستن او داشته ولیکن در شماره ۹۹ او را فرصت طلب، متکی به بیگانگان ارزیابی نموده است. پاسخ اینکه موضع یکسال گذشته ما که در حقیقت شماره ۳۳ مندرج است حاکی از پشتیبانی از اتحادیه میهنی کردستان عراق میباشد که گروه جلال طالبانی سخنی از آنرا تشکیل میدهد و در عین حال رهبران نیز بوده، اتحادیه میهنی کردستان در سر گیرنده نیروهای متروقی نیز هست. لیکن جلال طالبانی کسی است که هم از ناها خائن کمک میگرفت، هم برای قذافی کف سزند و هم برای اسدفا شیت، او شما بنده جریانی است فرصت طلب که با هر کس و نا کسی نزدیکی میکند و در عین حال مسارزه خلق کرد عراق را بسوی وابستگی به این یا آن جریان در سطح منطقه سوی میدهد. آخرین اقدام او اتحاد با چند گروه وابسته به روسیه و سوریه بصر علیه صدام حسین میباشد.

\*\*\* نامهای رسیده: \*\*\*

- خ - م از شهسوار، د - ق از تهران، الف - د، ج - س - کارگر
- م - ف - تهران، الف - م - تهران، علی - م - رشست،
- ک - ل - تهران ۵۹/۱۰/۲۵، م - من تبریز، وک - گ - فرخ تهران.

## درباره دستگیری اخیر...

بقیه از صفحه ۱۰

را برای نابودی انقلاب مهیا سازند. متحد شوید و بر علیه با بر قدرت ها و نوکران ریج و درشتان به مبارزه برخیزید و گذارید انقلاب خونبار ما فدای قدرت طلسمی این دهنه مرجع ویا آن دهنه سازشکار ترا گردید و ما ندید که در پی منجسدن ما تکلیف چپ شماها بیروشن میشود.

دستگیرندگان نظا هرات احزاب بدو را آرا دند! قانلین ما حرای اخیر با پیداستگی و محاکمه شوند آمریکا نقشه میریزد، شوروی مسلح میکند، چین تا شدمی کند، صدام تا و زمیکند، حزب جمهوری تفرقه میاندازد و ترخواهد کرد بلکه مرتگونیسی رژیم تبهگا رودست نشا نسد، بهت را بدست ملت برادر عراق شریع خواهد کرد. و آنگاه صلح بمعنای واقعی کلمه

سرمقاله... با پید خود آیند و حرکت شده ها را که در راستای دفاع از انقلاب و میهن و در برابر تر و طشه های ابرقدرتها و بعثتی ها تاج و زکس شکل گرفته و اینک آتش مسرود تا دامن حریانات مرتجع حاکم را بگیرد پدیده عبرت بگیرند و دست از نظریات مخلوط و سگانه از نهاده خود بردارند.

## مشت محکم کارکنان

نفا صای "مهلت" کرده است. کارگران برای تسویه حساب مرص ۱۰ روزه ای را به آشان داده اند و محص خودتسا با بیان این فرصت خاتمه دادند

## خبا نت میکنند

هواداران اتحادیه، کمسو - نیستهای ایران - آمل ۱۳۵۹/۱۱/۲۶

میان دو علت انقلابی که مرتسلیم در برابر سراسر قسدرت سها فرود سها و رند سرتقرا خواهد شد.

## لهستان - نگاهی به مبارزه سال ۷۰

اوج گیری اعتراضات و اعتراضات کارگری در لهستان، عمق انحطاط رویزیونیسم را بر ملا ساخت. بسیاری از یادوهای سوسیال امپریالیسم شوروی و رویزیونیستهای ریزودرشت در صدد توجیه این اعتراضات و اعتراضات برآمدند. همگسی درباره "برخی" اشتباهات " حزب رویزیونیست این کشور قلمفرسایی کردند؛ گفتند که این بحران ناشی از "رشد" است!!، گفتند که اعتراضات کارگری در اشرافان در کشا- ورزی حادث شده است!! و... ولی همه این حرفها را میزنند تا عمق ماجرا را پوشا نینکنند. فاجعه آنست که دیگر لهستان و کشورهای مشابه، جوامع سوسیالیستی نبوده، بلکه با غلبه رویزیونیسم آنها به جوامع سرمایه داری بدل شده اند. و در جامعه سرمایه داری، وجود اعتراضات و اعتراضات کارگری امریست طبیعی. در مسسورد اعتراضات و اعتراضات یکماله، اخیراً، که به اخبار روسواوت روزمره بین المللی بدل شده. بسیاری میدانند. مادرزیسر تاریخچه اعتراضات سال ۱۹۷۰ را که توسط "سوسیالیستهای" ورشویی به خون کشیده شد، از زبان یکی از رهبران ایمن اعتراضات درج میکنیم. این رهبر "ادموند بالوکسا" نام دارد.

"ادموند بالوکسا" لهستانی، ۳۸ ساله، کارگر است. وی نماینده کارگران "وارحکی" در "است تیسن" در اعتراضات سالهای ۷۰-۷۱ بوده است. وی به رهبری کمیته، اعتبار ۴۲ نفری را انتخاب کردید. در این مقام او مبارزه تاریخی کارگران

را با سران " حزب متحده، کارگری لهستان" رهبری کرد. مانند تمام رهبران اعتصاب، بدنسال تمام این مبارزه، از کار اخراج شد و کشور را ترک گفت. "بالوکسا" ایسک در پاریس کار میکنند و زندگی میگذرانند.

### چگونگی اعتصاب ۱۹۷۱ در "است تیسن"

با کمال خوشوقتی از اینکه به کنفرانس نیروهای چپ ایالتیا و هیئت تحریریه روزنامه "مانیفست" دعوت شدم تا سرور مبحث اروپای شرقی یا با اصطلاح بلوک شوروی صحبت کنم، بحث خود را شروع میکنم.

محدودیت وقت به من اجازه نمیدهد که به رفاحتی گوشه کوچکی از مبارزه لهستان را در سالهای گذشته بر علیه رژیم این کشور بنمایم. من اجازه نمیدهم که نقش تعیین کننده، دانشجویان استالین - خروشچف و برزیف را در امور لهستان نشان دهم، نقشی که برای من سنا بسسه امپریالیسم شوروی مشخص شده است.

اجازه دهید که از دوران خوش گذشته واقعات قهرمانانانه، نجات یافتگان لهستان بگذرم، از مبارزات کارگران "پزنان" در سال ۱۹۵۶ سخن نگویم، قیام دانشجویان در سال ۶۸ و دیگر شورشهای پراکنده را بر علیه رژیم "حزب متحده" کارگری لهستان" کنار بگذارم و تنها به ۴ روز از سال ۱۹۷۱ بپردازم. ۴ روزی که

بقول بسیاری از خبرنگاران و سیاستمداران روزها نسی استثنائی و متفاوت بحساب می آیند. روزهای دودآلود، روزهای نفس تازه کردن حسی ستمدیده، من.

۱۱ دسامبر ۱۹۷۰، صحنه تغییر و تحولات بود، صحنه روشن شدن با اصطلاح "اشتهاات و انحرافات غیر پرولتاری" فراکسیون های حزبی بجان هم افتاده بودند و دست یکدیگر را رو میگرداند و "اشتهاات و انحرافات" اصلاحات دم میزدند، تا بتوانند اوضاع را مهار کنند و دوباره در راه اصلاحات قدم گذازند و همان "اشتهاات" را تکرار نکنند.

۱۲ دسامبر ۱۹۷۰ - کمک مالی لهستان به حدودی " شورای تعاون اقتصادی (کمپکن) باعث اعتراضات فیمت ها شد (مطور متوسط ۲۵٪) این کمک ها برای بنا بستن همسنگی بلوک شوروی انجام میگرفت. اعزای فیمت هادر آن زمان بیاد دولت سودو از سوی دیگر حربه ای در دست فراکسیون های "موکزا ریگریک" گشت که مبارزه برای تصاحب کرسی دبیرا ولی کمیته مرکزی " حزب متحده" کارگری لهستان" را به پیش برند.

۱۴ دسامبر ۱۹۷۰ - کارگران با رانداز "لیسی" در "گدانسک"، برای نخستین بار اعلام اعتصاب نمودند و سه خیابانها ریختند. ساختمان کمیته ایالتی حزب، ساختمان سندیکای دولتی و دیگر اماکن متعلق به رژیم منفور لهستان در آتش سوخت. در همان روز قیام شهرهای "گدنیس"، "الیاکی" و "سویگ" که در نزدیکی "گدانسک" قرار

دارند، گسرن یافتند. نطق کنسول حاده ها. تعطیل روزنامه ها و قطع پرتاب مه های رادیو تلویزیون، قیام در شهر "است تیس" ۳ روز تا - خیر داشت. ۱۷ دسامبر "است تیس" قیام کرد. موممنسای آما ریگر رسمی در همان روزها. سیتی از ۳۰۰۰ نفر تا مل ژنان، کودکان و افراد مسن در ع شهر ساحلی گشته شدند.

۱۹ دسامبر ۱۹۷۰ - " ادوار دیکرک" پایتت سرگرداشش "گومولکا" قدرت را دست گرفت. تمام کشور تحت تاثیر اعتصاب عمومی کارگری قرار گرفته بود. ساخت و بستن ها کم برای مفرقی دبیران جدید حزب و پراپا انداختن ماسن از کارخانه؛ تولید در هشتمین پلنوم کمیته مرکزی گرد آمدند. دبیر جدید کمیته ایالتی "است تیس" به اشتباه، پیش نهاد تمام کارمندان را داد و گبرک و شرکا، را وادار ساخت که به پارانداز "آدلف وارحکی" شهرت یابند.

۲۲ ژانویه ۱۹۷۱ - فریب به هزار کارگر "پار- اداوارا رکی" تمهید مشترک مهل کارخان کرفشندوسر برای به آتش کشیدن ساختمان رادیو و تلویزیون در وچ پراکن حرکت کردند.

در ژانویه ۱۹۷۱ - من رهبر کمیته اعتصاب "است تیس" بودم. من در خیابان اجساد ژنان، کودکان و کارگران را دیدم. دیدم که مقامات محلی صلاحیت با حکومتی بسسه خواسته ها همان راندا رنسدو سنا بر این هیچگونه توافق بین ماضی شوانده صورت نمیگرفت. به همین خاطر برای کارگران بهینه در هفته ۲۵



لهستان . .

بقیه از صفحه ۲۴ —  
 باراندا ز فراخوانی صادر کردم .  
 فراخوانی با مضمون لزوم  
 اعتصاب و اشغال باراندا ،  
 فراخوانی با خواست حضور  
 شخص " گیرک " و شرکاء در محل  
 برای شنیدن حرفها یمان و برای  
 اینکه بدانیم قصد ادامه اعمال  
 " گومولکا " را دارند یا نه .  
 کارگران طرح اوراق قبول  
 کردند . آنها ایستگاه رادیویی  
 را اشغال نموده و دروازه های  
 بندر را بستند . آنها با دیواری  
 گواشتی گردا گرد محوطه بسار  
 انداز را دربر گرفتند .  
 درست بعد از چند ساعت ،  
 باراندا توسط " میلیشیا " و  
 " نیروهای امنیت ملی " ( حدودا  
 ۴۰۰۰ نفر ) محاصره شد . آنها  
 تعداد بیشماری زره پوش ، پل  
 های شنا و روسکادران هلیکوپر  
 پتر به همراه داشتند . " نیرو  
 های " امنیت ملی " آب و برق  
 بندر را قطع کرده و برای سه روز  
 به جانواده کارگران احسانه  
 غذا آوردن برای اعتصابیون  
 را ندادند .

همان روز اعتصاب ۱۹۰۰۰  
 کارگر در تمام موسسات صنعتی  
 " چکین " ، راه آهن ، پست ،  
 بخش تجاری و تمامی شرکت های  
 حمل و نقل ( مسافری ) شهری  
 گسترش یافت .

از میان نمایندگان  
 رشته کارهای مختلف ، کمیته  
 اعتصاب ۴۰ نفره ای انتخاب  
 شد . کار این کمیته انتقال  
 تصمیمات به کارگران و جمع  
 آوری پیشنهادات آنها از طریق

تماس مرتب با آنان بود .

کمیته به بخشهای زیر  
 تقسیم شد :

۱) بخش حفاظت از موب  
 سات و کارگران در برابر  
 بر تحریکات " میلیشیا "  
 و نیروهای " امنیت  
 ملی " .

۲) بخش ارتباط بسا  
 دیگر اعتصابات .

۳) بخش تبلیغات در  
 سطح " چکین " که یک  
 ایستگاه رادیویی و یک  
 جایگاه نشر اعلامیه و  
 اعلان دیواری را اداره  
 میکرد .

۴) بخش تغذیه اعتصاب  
 بیون .

۵) بخش مقابله و مبارزه  
 بر خطرتها جم " میلیشیا "  
 به بندر ، که بکار ساختن  
 کوکتل مولوتف و سنگر  
 میپرداخت .

توضیح دهم که طرح جلسه  
 با اعتصابیون در کمیته مرکزی  
 حزب در ورشو مورد بحث قرار  
 گرفته بود . ۳ روز گذشت و ما

همچنان در محاصره نیروهای  
 سرکوبگر قرار داشتیم ، خطرس  
 حمله " میلیشیا " ما را تهدید  
 میکرد و چند درگیری خونین نیز  
 اتفاق افتاده بود . ناگهان

متوجه شدیم که در پشت زنجیر  
 قوای دولتی ، صف ۱۰۰ هزار  
 نفری اهالی " چکین " شکل  
 گرفته است . آنها دسته های  
 غذا و سیگار را برای ما به درون  
 محوطه پرتاب میکردند .

تا زه فهمیدیم که تبلیغات  
 ما مردم را به پشتیبانی فعال  
 از اعتصابیون گشاده است .

" ادوارد گیرک " خیر را  
 شنید در تاریخ ۲۴ ژانویه  
 ۱۹۷۱ ، ساعت ۶ صبح در  
 دروازه بسته باراندا را به  
 همدار آورد . او جمله ای را بیان  
 کرد که در تاریخ ماند :

" اجازه میخواهم که  
 داخل شوم ! من دبیر  
 اول کمیته مرکزی حزب  
 متحده کارگران لهستان

هستم .

دروازه را باز کردیم چون خودمان  
 خواهان حضور او شده بودیم .

همراه او ، نخست وزیر ،  
 وزرای دفاع و کشور و چند تن  
 دیگر از مقامات عالی رتبه ، با  
 ندجا کمبدرون آمدند . بحسب  
 میان کمیته اعتصاب و " گیرک "  
 و ساعت ادا به یافت و همزمان  
 از راه بلندگودر سراسر بندر  
 بخش شد ، اهالی " چکین " در  
 برابر صف قوای دولتی ایستادند  
 و گفتگوی نمایندگان کار  
 گران را با مقامات شدیدت .

همینجا با بیدیک نکته مهم  
 را توضیح دهم : آقایان پشت  
 مخالف بخش مستقیم گفتگوها در  
 بندر بوده و در مقابل ، کمیته  
 اعتصاب هم پشت بر این تصمیم  
 با فشاری میکرد .

از ۱۲ خواسته کارگران  
 اعتصابی ، " گیرک " ۱۱ تا را  
 قبول کرد . یکی از آنها  
 " لزوم سرگزاری اشتخاب  
 آزاد در حزب ، سدیکا ها و  
 سازمانهای جوانان " بود .

خواستن تقلیل قیمت ها  
 را قبول نکردند ، " گیرک "  
 وقتی از مشکلات اقتصادی کشور  
 صحبت میکرد ، واقعا اشک می  
 ریخت ، ولی قول داد که در  
 آینده نزدیک کاهش قیمت ها  
 را عملی سازد . کارگساران  
 اعتصابی به این قول و قرارها  
 اعتقاد کردند ضمن اینکه روتن  
 نبود در صورت ادامه سیاست های  
 انحرافی از خود برپا بر حزب  
 خواهند ایستاد .

هنوز یک سال نشده بود که  
 " گیرک " زیر قولش زد ، فعلا  
 لاین جنبش کارگری را بحسب  
 فشار قرار دادند ، سرای آنها  
 با پوش ما خند و وار کار اخراج  
 کردند . چند تن از آنان نیو در  
 حوادث مشکوک کشته شدند .

جانفشانیها

بی ثمر نبود

علت اصلی تخریب و تخریب  
 بیانات در دولت ورهیری حزب  
 متحده قیام کارگری ۷۱ - ۱۹۷۰

بود و طبقه کارگران نکتته را  
 درک کرد که یک نیروی مبارز  
 متحد و مضمق در احوت نظامی  
 روکار نیک کار را عقب نشانند .  
 سفر " گیرک " به بندر " چکین "  
 بیان این واقعه است .

اعتصاب عمومی ۱۹۷۶  
 نشان داد که حتی در سیستم های  
 استبدادی امکان سازماندهی  
 ۲۴ ساعت اعتصاب وجود دارد  
 و میتوان رژیم را وادار به  
 تسلیم کرد . جنبش

لهستان در حال نکامل است .  
 رژیم میخواهد دستمزدها را بسا  
 شین نگاه دارد و جنبش دست به  
 مقاومت موثری در برابر این  
 گوشه تصمیمات زده است . جنبش  
 خواست آزادیهای دمکراتیک  
 را پیش گذاشته است .

همبستگی میان دانش  
 حویان و دیگر روشنفکران سا  
 کارگران بزرگترین شکست برای  
 پرتدان " حزب متحده کارگری  
 میباشند .

راستی خبر را بیدگسه ۳  
 هزار معدنچی در روسی ، " جان  
 نسکو " دیکتا تور را مجبور  
 کردند که شخصا به حضور کارگران  
 " شرقیاب " خود دست ما شد  
 آنچه پسر " گیرک " آمد . معدن  
 چیان این شیوه مبارزه را ار  
 ما تقلید کردند ، آنها در عمل  
 به این راه دست یافتند و ایس  
 را هم میدند که سایدوف خود را  
 در چک و چاه ردن ما ایسها تلف  
 کرد . این آقایان با راه ورش  
 منحنشان جامعه اروپای شرقی  
 را مثل کرم فاسد کرده اند .  
 شفقن جامعه از کله این سنگ  
 ما هبها بلند میشود . با پد این  
 کله را قطع کرد !!

احتمال به توضیح نیست  
 که نیز همین لحظا دامن جوان  
 مع غرسی راه گرفته . تفاوت  
 تنها در اسم ، نمای بیرونی و  
 شیوه استثنای نیروی کار است .  
 سک ماههای کومیسون ،  
 بکن ، واشگتن ، آمریکای  
 لاتین ، نژادپرستان آفریقای  
 جنوبی و تمام دیکتاتورهای عصر  
 شبیه در صفحه ۲۶

دومین

سالگرد . . .

بقیه از صفحه آخر

بود. بعد از قیام افراد و عناصر زشکا روحان در اس قدرت قرار گرفتند و قتل از هر چیز جلور شد انقلاب را گرفتند و توسطه بسراه انداختند. تا ز به قدرت رسیده ها زیر پرده دین استبداد را - بیج کردند و از ادبها را سرکوب نمودند. و مملکت را به آشوب کشا شدند. با زسازی نظام پیوسیده و سرنگون شده را شروع کرده و دلالتن و سرمایه داران و وابسته بخود را باری رساندند تا اقتصاد را تحت کنترل خود در آورده و سه چپاول مردم محروم را مشغول شوند، مخفیا نه با میریالیستها و عوامل آنها امثال ژنرال هویزرا آمریکا شی و دیگران سه مداره نشستند و سرفسروش انقلاب چا سه زدند. اما شورا انقلابی مردم ما با اشغال جاسوخانه آمریکا یکبار دیگر اوج تا زهای گرفت ولی حزب جمهه سوری اسلامی و دولت وابسته او سه شورا انقلابی مردم ضیا نت کردند و با سارن ضفت با خود گروگانهای جاسوس را سرخلاف خواست مردم خباست کردند و با شرایط تنگبندی جاسوسان را به آمریکا تقدیم نمودند.

امیریا لیستها که از شورا انقلابی مردم ایران و تا شیران سروری کشور های دیگر و جست دارنده کی دست بیکی کردند و مذا مغانی را برای نابودی این شورا انقلابی و استقلال ایران باری نمودند و جنگ تحمیلی را بوجود آوردند. اسلجک جنگ سروسها است و شکست در آن انقلاب را بنا بودی میکشند و پیرو ری در این جنگ لارمه ادا سه انقلاب و جواب دندان شکنی سه آمریکا که نقشه میریزد و شوروی و دیگر امیریا لیستها که اسلحه در اختیار دشمن سنج و فرار میدهند و حزب جمهوری اسلامی که نعره ما سدارد و حیا ست میکند خواهه شود.

با بدردومس سالگرد ضیا میهمی ما همه ما هم در شمر ما سدن اهداف قسام و ادا سه انقلاب بکوشیم. با بد در این جنگ سرنوشت ما زیر و سوسوم و میهن را از لوث وجودا شرا ر معنی پاک سفا شیم. با سده ما ما میریا لیستها سنان ده هم که خلق ما در معاسل توسطه های آنها با بای جان اسما دگی نموده و با بد ارا انقلاب و استقلال و سرف خود دفاع سفا شیم. با بد حزب جمهوری اسلامی و دیگر مرجعین را تا بود کنیم. با سسد زندانیان انقلابی سه آغوس مردم با زگردند. با بد ا تشکا هیا و مراکز آموزش عالی که از گانوشهای مبارزه سر علیه امیریا لیستها ست بدست مردم گشوده شوند. با بد شورا های سلج کارگری و دهقانی برای اداره کارخانجات و پوچسود آوردن منتعت ملی و معادره اراضی شتودا لها و تخسما آنها سبن دهقانان بوجود آوریم. با بد آموزش بسینیم و مسلح شویم تا با اسحا ده دبشوا سیم انقلاب را با ساری نموده و استقلال میهن عزیرا حفظ کنیم. با بد و تنها با رهبری پرتسوان طبعه کارگرو در اسحا دبا دهقانان و دیگر زحمتگان فقیر شهرو و روستا است که میتوانند انقلاب سه پیروزی رسد و کلسه مشکلاتی نظیر: بیکاری، بیخانمانی، گرانگی و کلیه وابستگی ما به امیریا لیستها با بود گرد در آسوق زحمتگان میتوانند سسود سرنوشت خویش را در دست گیرند و طعم آزادی و رفاه ا حتما عی را احسا س کنند. پیش بسوی آن روز!

با این فرماندهی . . .

بقیه از صفحه ۴۰

امپی) تقسیم کنند. لیکن غر- درجه گروهان و طیفه ایدانت ماندهان مربوطه که فقط معکر ترفیع درجه و گرفتن پاداشهای نا کرده های خود هستند، به این اعتراض گوش فرامدادند. تا اینکه در ظهر روز ۱۸ دیماه ۵۹ با برخورد یک گلوله، توپ مزدور- ان عراقی به میان صف غسذا ( این اتفاق در خط اول حسهه نوردافتاد) ۱۲ تن از سربازان شهید و ۲۹ نفر از ایشان زخمی شدند. این واقعه باعث تضعیف روحیه کلیه امراد آن گروهان شد و سدهم محسوس شد که اسلا بدلیل از دست رفتن منظمین این گروهان، گروهان جدیدی را به جای آن به خط اول حسهه بسا و رنسد.

دو خبر دیگر

از جبهه نورد

در شب ۵۹/۱۰/۲۲ دوشنبه از نیروهای عراقی خود را سه نیروهای خودی تسلیم کردند. یکی از آنها یک پزشک بود که

همچنین با زدر شب ۱۰/۲۲/۱۰ چهار نفر از نیروهای عراقی خود را به نیروهای خودی تسلیم کردند که هر چهار نفر آنها مسلح بودند. ایشان نیز از وضع سده ارتش عراق سخن رانده و اظهار میداشتند که بیشتر سربازان و درجه داران ارتش عراق سی - خواهند که خود را به نیروهای ایرانی تسلیم کنند. ولیکن خیلی مشکل است و نیروهای کارداش ( حافظان کاج سدام) سه شدت سربازان و در حسه داران را زیر نظر دارند.

مشب محکم کارگزاران . . . . . بقیه از صفحه ۲۸ -  
حالا اینجا ست که کارگران در مصاحبه تلویزیونی خود با مردم دهقا سسیسه داودی را اسفا کردید و گفتند: داودی بدروع ما را اخلالگر معرفی کرده و ما هم بسدروع میکوبد که ما به خاطر مسائل صعی و با داس دستار کار کشنده ایم. آنها گفتند: ما شرایط جسکی را میفهمیم،

عده ای از همکاران ما داو - طلبا سه سه جبهه رفنه ا سده سر کوشه کمک مالی و جاسی کدهر علیه مردوران بعضی عراقی و نوطله های امیریا لیسم آمریکا اردست ما برآید. ما ضرسا سحام دهیم.  
مقامات جرسی اسفا سه دربی این پشرفنت کارگران و طلب سشنسا نشان! مردم رحمتکن اسفا ن. طبق معمول بقیه از صفحه ۲۲

لهستان - سگانهی . . . . .  
ما تنها یک هدف داریم: استسما نیروی کار بسسرای تا و سسلطه جاسرانه خود سر جهان. طبعه کارگرایتالیا نیز در برابر این دشمنان

بقیه از صفحه ۲۵  
انقلاب فرا بردارد.  
با رد دیگر از دعوت خویش سه این کنفرانس تشکر میکنم و از پراکنده گونی خود معسدرت میخواهم.

بقیه از صفحه آخر

## اخبار جهانی

تعطیل با حقوق در روزهای شنبه دستاوردهای مهمی کسب نمودند. در تنجوین داننگاه ها هم برای ایجاد اتحادیه خود و گرفتن حقوق صفتی دست به مبارزه زده اند. در پی سیاسی شدن این عبارات، نوکریان کرملین در لهستان مجبور به تعویض و ترمیم کابینه شدند و یک ژنرال ارتش را نخست وزیر و سرری این کشور میگردانند. فاسل توجه است که رئیس حزب همچندی پیمانسال اوج گیری مبارزات کارگری سر کتار شده بود. این ژنرال نخست وزیر سه ماهه زکارتگران مرصت خواسته است تا بتواند اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور را بوضع عادی بازگرداند. لازم به تذکر است که این چهارمین رئیس دولت است که طی سال گذشته با این مقام منسوب گشته است. و البته این پدیده جدیدی نیست که بدین شکل رونق گرفته و سیاسی شدن مباح را با مردم، طبیعت، مرجع حاکم بدینال عوض کردن بهره های خویشی در تخمین بوده ها در دنیا سرکار گذاشتن نظام سازمان سرمد حکومت، همزمان به ارباب بوده دست میزدند. مردم کشور خود را بخوبی ساختار دارند که چگونه عروسکهای حکومت با ری بدار رهبر است. آمدن سردمدار سوت به ارباب های رسد و او هم از طبع مرصت خواست. با نظم گذشته را آماده سما بدونی قابل از اینکسه توده ها برای درهم کوبیدن همین

نظام ارتجائی بیبا خواسته اند و فرمتی به این دغل کاران مرتجع و استه برای برقراری نظام سرکوب مردم نخواهند داد.

## آفریقای جنوبی

سردمداران امپریالیسم آمریکا بدینال شکست های بیابایی خویش بدست خلقهای برتوان جهان در پی تحکیم مواضع نظامی و گسترش آنها میباشند. با تنگ شدن عرصه برای قدرت امپریالیستی امکاناب نظامی آن یک بیک از دست می رود (مانند ایران - نیکارا گوشه و...) از اینرو جندی است که واشنگتن بدینال متحد ساختن رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در پی میماند تا تومبیا شد. و امروز آشکارا از این رژیم نژادپرست به دفاع پرداخته و حتی اعلام کرده که هر گونه محاصره، افتما دی را که از جانب سازمان ملل تصویب شود و بخواهد نمود، بدینسال حمایت آسکارا رویی کرده است. آمریکا از رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی این رژیم در آنها جموجرای عملیات تروریستی بر علیه نیگاهای جنبش های آزادیبخش در کشور های همسایه گستاخ ترسیده و کنفرانس سازمان ملل برای استقلال نامینیا را رد نموده است. ولی با وجود تمام این مانورها همان انحصار اب امپریالیستی با شخاص خویش در باقیه است که دیگر آفریقای جنوبی نتواند وارد و کم کم در حال خارج کردن سرمایه کذا - ریه های خود را از کشور است. بطور مثال ما ببنده، یکی از اسخارا با آمریکا کئی سر آورد کرده است که ۲۱٪ خطا ریبین رهن کابل سرمایه گذاری عمده در سال جاری خواهد بود و این خطا در پنج سال آینده به ۴۱٪ می رسد و این خطا برای امپریالیستها معنی ای حسر رشد مایه ارباب مردمی است. این کشور بنا زد.

## آمریکا

حال که کم کم بیون های "میهن پرستی" امپریالیسم یا نیکی از سر و صدا افتاده اند بعضی از جوانان واقعیتها سه بیرون در میزنند. در حالیکه مطبوعات آمریکا از ساحتسن داستانیهای مهیج و وارد کردن افتراهای بی پایه برای ساختن افکار عمومی در پشتبانی از امپریالیسم آمریکا در رخ نمیزورند، ولی برخی اوقات حقایق که نبرو - مند ترا از این تبلیغات است از لای لای اخبار دروغین جلب نظر میکند. بطور مثال مجلس نیوزویک چاپ آمریکا از خوا - شدگان خود عذر خواهی نمود که در مورد خانم الیزا سست سویت گفته بودند که با اسلحه تهدیدش نموده بودند و این محله، ناشریک مجله، آلمانسی را برای این دروغ مقصود داشته است. از شکنجه های دیگری که ادعا میشود این جاسوسان در ایران دیده اند گویا آنها را محبور نموده بودند برای چندبار سر را به "شوهای" قدیمی سلوونی آمریکا را را بچند (البتد کمانی که این سرنا مدهای آشفال آمریکا را دیده اند حتمی تا شیدخواهند نمود که دیسیدن این برنا مدهای سلوونی ساخت آمریکا واقعا شکنجه آور هم هست).

در مورد آقای ملکسم کالپ مشا ورافضادی ما مور سا (C.I.A) ادعا شده است که کتیکه جوده است. البته مدهم سمود که آقای کالپ کسی هم از مزه، انواع واقعا شکنجه های که سازمان منوعشان در سراسر جهان بر علیه مبارزین راه آزادی بدست عملش پیدا ده میکنند. مسخندند. همانطور که ما هودراس مور در روسیه کاهن میروند محافل سرمایه مالی در آمریکا ادعا می - دارند که برای اندازی حار و

جنگال در مورد شکنجه جاسوسان نشان در ایران بیشتر برای رفع حقایق است که ایران بر مردم آمریکا وارد آورده است. البته همانطور که منطقی است با نیست ها است آنها همیشه حقایق را وارونه میسازند. چه عمل نمخلانته، جاسوسی امپریالیسم آمریکا حقایقی برای مردم نموده همانطور که خیلی از همان مردم از ان عمل حانبداری نمودند و در حقیقت این امپریالیسم آمریکا بود که در مقابل افکار مردم چیسان آبرویا خسته شد. گوشه ای از عدم رضایت مردم آمریکا از حرسان کذاشی استقبال از این جاسوسان را نیز در مطبوعات آن کشور میتوان مشاهده کرد: در کواک نوپسند و سر با زندیمی (اودروستنا مفلج شد) از جاسوسان بخش آمده و میگوید این عوام استقبال را ستی صورت میگیرند و وقتتی ۹ میلیون سر با زندیمی که با طرا امپریالیسم آمریکا در بیتنام چنگیدند و زخمی و معلول به کشور خود با زکند حصری حرس سکارای، شمس و انباید در انتظارشان نبود.

در این میان روندی - خورده با این جاسوسان نیز در - خور توجه است. در آمریکا اول آنها را کروگان خوانند، سپس آنها را دیسلما تا میبندند و میسند عنوان هم میهن عزیزان آنها با دگر دارند. در ایران سرخو میگفت اول آنها را خاسوس شناختند، بعد آنها را کروگان نامیدند و سپس دیسلما تا میبندند و میسند و اگر حرسان ادامه می یافت تا بعد آنها را میچمان نیز میخوانند!

تذکره  
با تشکر از رفقا کئی که گزارشاتی از گیلان، کرمان، سنا، اهور، محمد سلیمان اراک و... فرستاده اند، خاطر نشان میکنیم که سعادت تراکم مطالب در شماره آینده درج میگردد.

# حقیقت

## دفاع از حزب . .

بقیه از صفحه ۲۹

دادند. مجاهدین خلق با بدر میان مردم کردستان برس و خو میکردند و میفهمیدند که هر کسی که از هر قماش به ضدیت با انقلاب ایران بر میخیزد ابتدا به بیعت عراق نزدیک میشود و آنگاه سر از دفاع از حزب دمکرات در می آورد. مجاهدین باید جدا در این مورد بخود آیند! دارودسته قاسم سلو همکار حزب بعث عراق و همدست همان نیرویی هستند که مجاهدینی ما بنده کنترول طایبی و متحد مقصودی در راه مبارزه با آن حار خود را هدا کرده اند. دارودسته قاسم سلو همکار همان تجا و زگراسی هستند که مجاهدین خلق برای پیگار با آنها و دفاع از سیه خود به سنگرهای آبادان شناختند و سیاریشان اینک در زندانهای جمهوری اسلامی تاوان همی میارزه جوئی را میدهند. اما سراسر با توجه به مسئله اساسی ملی در ایران در واقع حزب دمکرات با موفقیتهایی در جهت همکاری با بعضی های عراق و یب خود را با ملت ایران بطور کلی آشکار ساخته است. و روش است که حرکت عدلملی حزب دمکرات تنها به روابط حسنه اش با بعث عراق محدود نمی شود. روابط این حزب با سایر رزگاری که خود از پیا زوهای بعث کردستان ایران است ختسیدر نواحی کامیاران مدتی بسسه ایجا دوما تر مشترک منجر شده بود. همچنین اقصران شاهپرسن ارتش آریا بهری نیسزودر

مشولیت های نظامی حزب دمکرات انجام وظیفه میکنند. نام این شواهد وجود پیوندهای وسیع میان حزب دمکرات را با جریانات امپریالیستی غربی آشکار میسازد.

از بعث عراق و امپریالیستهای غربی که بگذریسم جنبه فدهلی حزب دمکرات خود را در حمایت این حزب از امپریالیسم شوروی نیز نشان میدهد. البته مجاهدین خلق خود به دلیل ضعف بینش و طغیانی حایگا شوروی را بمانند یک سروی امپریالیستی در جهان معاصر درک نمیکنند و لی بهر صورت همان نظور که ضد بیعت مجاهدین با صبه مترجمین که شامل حزب توده و جریکهای اکثریت میشود آنها را بطور عینی و البته بعضا در مقابل ابسردی روس هم قرا میدهد دفاع مجاهدین از حزب دمکرات گسه خود پاره ای از مایورها و نقشه های امپریالیسم شوروی را نیز قطعا در آستین دارد و واقع با بدرداران و خواهران هدا را به اندیشه و ا دارد.

برادران و خواهران مجاهدین باید بدانند که در حقیقت میان حزب دمکرات کردستان و حزب جمهوری اسلامی در ایران در ضدیت با دمکراسی و در آمانگی سرای سازش با اسفدرتها و تقوی مومسود نیست و همچنانکه مردم ایران هر روز در تجربه روزمره خود بد ما هیت حزب جمهوری بیشتر و سهم بری میسرتند. مردم کردستان نیز هر روز بیشتر از پیش چهره واقعی حزب دمکرات را می شناسند. امروزه دیگر بسرای بسیاری واضح است که جنگ میان حزب دمکرات و جمهوری اسلامی تنها جنگی ارتجاعی و خانمانسوز است که ملت ما را به تفرقه ای در دنیا میکشاند و همچنین میان این دو حزب ارتجاعی هم چیری جز یک سازش خیانتکارانه و بیخود که زمینه را برای جنگها و سرکود

بهای بعدی هموار کنند. محاهدین خلق باید بدانند که مومع آنها در چنین اوضاع و احوالی چه خطراتی را برای انقلاب ما و بهمت مردم کردستان بسیار خواهد آورد. مجاهدین خلق ایران باید بخود آیند که بیعتی با شی آنها از حزب دمکرات تنها به آتش حزب توده و جریکهای اکثریت که مترصد فرصتی هستند تا مجاهدین راه مستگرا میرا لیسم قلمداد کنند نعمت میا شد. مجاهدین خلق ایسران باید بخود آیند و بدانند که بیعتی آنها از حزب

دمکرات تنها به حزب جمهوری اسلامی باری میدهد تا با استعاده از مومع انحرافی محاهدین شیروهای جوان و آرماسجروی مسلمان را در این ملکیت بزیبر لوی استبدادی خود بگشاند. این موضعگیری بسودا انقلاب ما و سود مجاهدین نیست و باید با زپس گرفته شود. بحای آن موضع دفاع از خلق دلاور کرد و از آرمانهای انقلاب ایران است که زبیده نام و سبب مجاهدین بوده و با پیدای تخاصد گسردد.

### مشیت محکم کارکنان مبارز شرکت . . . . .

بقیه از صفحه آخر

به ندرت از نما بسدگان کارگران نامهای را که وضع با سازمان کار را در آن شوشه بودند به بینی صد در سفر ا خیرش سه اعضا میبدهند. همه بسا بسدگان کارگران مدنی بعد توسط جمعا در ان حزب دستگیر میشوند.

مقا مات حرای بسرای سردواندن کارگران و احداثها را به کارگران شهرداری رجوع میدادند و میگفتند کارگران شهرداری "ساداش" گرفتند به سما هم میدهم و عین ایسران داستان را سرای کارگران شهرداری انجام میدادند. مالکی، کداحا دکار کاران شهرداری و شرکت واحد را میسید سا کمال وقاحت سر محض و اسرار را به کارگران شرکت واحد شروع کرده و در پی سرکوبتیا ن سعی آند. کارگران شریف و زحمتکش واحد نیز در اعتراض به دستگیری همکاران سما بینده و وفا حت و بی آبرو گیری مالکی دست به تحصن می رتند. داودی اساندار و مغفور اعضا ن سزبکیا رده همچسون اجل معلق به روی مفعسه تلویزیون آمده و برای توحیه کشا متکا ربیای خود ددیگر ضد انقلابیون هم حزبی و همچنین

برای جلوگیری از بیعت با بسی مردم حقها ن ارکا رگران و اند. کارگران را "اخلال گز" مفتت خور" و مشت "کلاش" معرفی میکنند. او به دروغ مدخواست به مردم بقیما ندکه گویا خواسته کارگران صرفا شعامای پادار ۶ ماهه است و استکه تحصن سرای این خواسته در این شرایط ضد انقلابی و اخلالگرانه است. کارگران شریف و احدا زاین چرند. با ب بچون آمده، خواهسا ن گفتگوی تلویزیونی بسرای روشن کردن افکار عمومی و طرح خواسته های خود میشوند. آنها حواسه های خود را با ن صورت مطرح نمودند: ۱ - آزادی عوری و سدرنگ ۳ سما بینده شان ۲ - داودی (اساندار) هر چه زود سرتا بسعی ارتطوق زاده بر تلویزیون (همان طرفی که فحاشی کرد) عذر خواهی کند. ۳ - مالکی مدبرعامل شرکت واحد هر چه زود تر تمویض شود. اگر چه داودی و مالکی و دیگر جمعا قدران سان ستی در حنه بودن در میان رات ایسر کارگران را داد شدند، ولیکنس مبارزه محدا سه نان اولسین پیروزی را بدست آورد و آن موا حبه تلویزیونی با متحصنین بود. (بقیه در صفحه ۲۹)

## دفاع از حزب

بقیه از صفحه آخر

بی از امپریالیسم و جا یگانه مبارزه، خدا مپریالیستی در فرایند انقلاب ایران ما را با مجاهدین اختلاف نظرات و گرد چه برداشت مجاهدین از امپریالیسم تنها یک ستون از امپریالیسم جهانی یعنی امپریالیسم سرور و سه غرب زاد بر میگیرد و نظامی کمپر کشور های اردو گاه شوروی را امپریالیستی از زیابی نمیکنند ما دستکم ما و مجاهدین با همه این اختلافات فات میتوانیم صریحا بگوئیم که در بر خور دین هندستان امپریالیسم در ایران ما شند محمد رضا شاه معدوم و پالیزبان و اویسی و بختیار و دیگر مرتجعین از این دست و همچنین در بر خور دین ایران حزب جمهوری سلاک می که در شرایط کنونی به راهی مبروند که عاقبت آن هم اردویی ما دارو دسته اول است دارای وحدت نظر هستیم .

بر همین اساس است که مسئله دفاع از حزب دمکرات توسط مجاهدین خلق بهیچوجه با حکوی نیاز های جنسیش انقلابی ما نبوده و در واقع عملی برخلاف مصلحت انقلاب ایران است .

ما در شماره گذشته نشریه "حقیقت" پاره ای شواهد تاریخی را که پرده زما هیت واقعی دارو دسته قاسملو و حزب دمکرات بر میداشت منتشر کردیم . اینک با بدیده عملکرد این حزب در تحولات اخیر کردستان نظیر کشیم و نشان دهم که این حزب

بر خلاف نام خود دارای غلظت دمکراتیک نبوده و هوادار حاکمیت مردم نیست .

یکی از مسائل اساسی دمکراسی در ایران مسئله رضی و حق دهقانان ایران سرزمینی است که روی آن کار میکنند در کردستان که عرصه فعالیت حزب دمکرات است این حزب از مخالفین فعال تقسیم اراضی مالکین در میان دهقانان بوده است . جوانان کسره در جمعیت ها و سازمانهای سیاسی خودشان بارها و بارها اسنادی مبتنی بر حمایت حزب دمکرات از فتوای آنها منتشر کرده اند . مجاهدین با بدوشن کنند که آیا از شاعر زمین برای برزگر که در برنا ما انتخابی رجوی مطرح میکردند دست کشیده اند یا اینکه صغیر عملکرد حسرت دمکرات را فراموش کرده و بسه لفظ "دمکراسی برای ایران" که و در زبان آقای قاسملو شده است را می شده اند .

از دیگر مسائل مهم دمکراسی در ایران مسئله آزادی های دمکراتیک برای مردم است تا مردم بتوانند در محیط آزادی مبارزه بخسود را برای ترقی جامعه خود و خراب کردن سدهای رشد جامعه پیش ببرند . حزب دمکرات در این زمینه نیز در برکون و در میان ما دودر نقده و در دیگر شهرها کارنامه ای سنگین دارد .

مجاهدین خلق بخوبی میدانند که این حزب قدرت طلسم و وایس گرا چگونه به دفاع سر گروهها و سازمانهای سیاسی حمله میکنند و مردم و جوانان انقلابی را خلع سلاح می نماید . بنا بر این عملکرد حزب دمکرات در این زمینه هم گواهی است بر فدیت این حزب با آمال دمکراتیک مردم ایران . اما حزب "دمکرات" نه تنها دمکرات نیست بلکه یک حزب ملی هم نمیشود و در حقیقت مجاهدین با طرح آقای قاسملو یعنی رهبر مردم کردستان بسسه و

وجههای داده اند که به هیچ وجه شایسته اش نمیشود . برای این موضوع شایده آوری یک نکته از اعلامیه های سازمان مجاهدین خلق ضروری باشد . مجاهدین در بیانیه ۲۷ اسفند ۵۷ چنین می نویسند :

"در همین جا باید توجه مبرم مردم قهرمانان در کردستان و به ویژه توجه مبارزان و روشنفکران دلیران سازمان را ، چنانکه خود نیز میدانند مجدداً به این نکته حیا تی جلب نمود که با یستی در مسیر مبارزات عس دلانه خود بگدما ز پیوند ریشه ای میان ناسیو نالیسم انقلابی و ترقی خواه خلق کردستان سیو نالیسم کل خلق قهرمان ایران غفلت نورزند ، بیوفندی که در این سر حله تنها در چرا چسوب مبارزه ملی خدا مبرم یالستی تمام مردم ایران قابل حصول بوده و خواهد بود . در غیر این صورت چنانکه امپریالیستنها و دشمنان انقلاب ایران میخواهند ، و همانطور که متاسفانه در برخی نقاط جهان بسه تلخی ( والبت به تحریم یک امپریالیستها و مرتجعین ) تحریم شده است ناسیونالیسم کرد در مقابل ورود روی مبارزات ملی خدا مبرم یالستی کل ایسران قرار گرفته و طبیعا دارای مضمونی ارتجاعی خواهد بود ، و خدای نا کسره هوادت شوم دوران سلا معطی مرتجع و خائن به خلق کرد مجددا فرصت بروز پیدا خواهد کرد ."

مجاهدین خلق ایسران خرنده که تعدادی از جوانان کرد که عسوا تحا دین جوانان دمکرات و وابسته به این حزب هستند در عراق دوره کشورداری می بینند . مجاهدین خلق با بدیده اند که حزب دمکرات حتی جاده های بسوی عراق کشیده است تا حمل و نقل کالاهای لازم را از این جاده تسریع نماید . کلاشینکف های روسی و انشوروم های ارتش عسراک در دست پیشمرگه های حزب دمکرات دیده میشود و مردم کردستان می گویند که دمکراتها توپ و خمسه خمسه از عراق دریافت میدارند . مجاهدین خلق با بدیده و اندر کردستان می دیدند و آنگاه سده اندیشانه حرفهای قاسملو را تحویل جوانان مجاهدی

۲۷ اسفند ۵۷  
بنا بر این مجاهدین در حقیقت در بیانیه ۲ سال پیش

از این خود بدستی به مسئله تبعیت مسئله ملیت ها در ایران از مسئله عمومی خدا مپریالیستی که مسئله ملی تمامی خلقهای ایران است اشاره کرده اند . امروزه مهمترین مسئله، مادر مبارزه، خدا مپریالیستی مسئله جنگ با عراق است . تجا و زبعضیها میهن ما را درنا حیه، جنوبی اشغال کرده و تهدیدات بزرگتری هر لحظه پدید می آید . حزب دمکرات کردستان به رهبری قاسملو چه کرده است . در اینجا هم باید میا را عمل این حزب و نه پاشهای قاسملو به سوالات "جهت دار" خبر نگار ما خدا قرار داد . امروزه در روابط حسنه میان حسرت دمکرات و تجا و زگرانی که میهن ما را در خوزستان به اشغال آورده اند شکی وجود ندارد . کردستان ایران بسیاری کار عضویت حزب دمکرات را رو دید عبور در شهرهای عراق میدانند . هم اکنون بسیاری از اعضای این حزب در نواحی کردستان عراق در جایی که کردهای عراقی خود در معرض حمله دولت سستی میباشند از دانه نگشت و گدما رنند .

مجاهدین خلق قاطعا بسا خرنده که تعدادی از جوانان کرد که عسوا تحا دین جوانان دمکرات و وابسته به این حزب هستند در عراق دوره کشورداری می بینند . مجاهدین خلق با بدیده اند که حزب دمکرات حتی جاده های بسوی عراق کشیده است تا حمل و نقل کالاهای لازم را از این جاده تسریع نماید . کلاشینکف های روسی و انشوروم های ارتش عسراک در دست پیشمرگه های حزب دمکرات دیده میشود و مردم کردستان می گویند که دمکراتها توپ و خمسه خمسه از عراق دریافت میدارند . مجاهدین خلق با بدیده و اندر کردستان می دیدند و آنگاه سده اندیشانه حرفهای قاسملو را تحویل جوانان مجاهدی

# دفاع از حزب دمکرات دفاع از ضد انقلاب است

## سخنی با مجاهدین

مقوله "شناخت دوستان و دشمنان انقلاب از مائیلستی است که برای هر مبارز انقلابی دارای اهمیت خطیری است. تجربه انقلاب ایران و انقلابات سراسری آن نشان میدهد که پیچیدگی و سرنج بودن مبارزه طبقاتی در جوامع تحت سلطه همواره شناخت دوستان و دشمنان انقلاب را در هر دوره دشوار ساخته و چه بسا که تشخیص این نیروها در جریان انقلاب جریان پیشرفت انقلاب را به بیراهه‌های خطرناک در افکنده است.

سازمان مجاهدین خلق ایران با چاپ مجامع قاسموس در شهری، خود چنین سما بیانده است که قاسموس حزب متوسوع وی از نیروهای هواداران انقلاب و دمکراسی در ایران است و در حقیقت آب تظہیری ترهفته

خیانتکاری های قاسموس و دوستانش در کردستان ریخته و این حزب "دمکرات" را از دوستان انقلاب ایران و خلسق کرده معرفی کرده است. این برخورد نه تنها خواتندگسان مجاهد را به بیراهه‌های خطرناک سوق میدهد بلکه عینیت و حرمت تام مجاهد را در خطر افکنده است. واضح است که کلمه "مست" استان امیرالیم و نیروهای ارتجاعی که در ضدیت با آزادی و حاکمیت مردم چهار اسپه بسوی سازش با امیرالیم میتازند دشمنان حلقهای ایران هستند در حالیکه نیروهای که برای استقلال ایران در برابر امیرالیم قدم نمیکنند و در راه آزادی و دمکراسی در ایران تلاش می‌نمایند نیروهای انقلاب را تشکیل میدهند. دستکم می‌توان گفت که در زمینه مبارزه ضد امیرالیمستی میان ما و سازمان مجاهدین خلق و بسیاری نیروهای ترقی خواه و استقلال طلب دیگر درجا معسه وحدت نظر وجود دارد. اگر چه در زمینه‌های مهمی مانند آزادی -

بشمه در صفحه ۲۹

در شماره‌های اخیر روز - نامه مجامع صیبه‌ها و نامه‌هایی از عبدالرحمان قاسموس چاپ شده و در واقع به دفاع از حزب دمکرات کردستان پرداخته شده است. سازمان ما این برخورد مجاهدین را انحرافی خطرناک از سن استقلال طلبی و آزادیخواهی انقلابی این سازمان میدانیم و به همین دلیل سخنی با مجاهدین را در این مورد ضروری می‌شمارد.

## مشت محکم کارکنان مبارز شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان بدهان عوامل حزب جمهوری اسلامی!

ما را که بقول استاندار حقیق مسلم آنها نیز می‌باشد را به پیش کشانده بودند. در همین رابطه بقیه در صفحه ۲۸

هفته، بیش از هزار نفر از کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان و حومه در اعتراض به اهانت و کشتن کاری های عوامل حزب جمهوری اسلامی یعنی مدیرعامل شرکت واحد استاندار اصفهان دست به تحصن زدند.

بقول کارکنان شرکت واحد از روزیکه مالکی مدیرعامل جدید شرکت واحد اصفهان بر سر کار آمده، هر روزه تلاش کرده تا بین مسافران و کارکنان شرکت واحد را برهم زده و از آب گل آلود سودجویی. تخفیرات تکراری خط های اتوبوس، کم کردن بعضی از خطوط، افزایش قیمت بلیط بعضی از خطوط از یکطرف و توسه همین و آزار رساندن در حین کار و در جلوی چشم مسافریسن برای "دلموز" نشان دادن خود از طرف دیگر از جمله "خدمات" شبانه روزی ایشان است.

کارکنان شرکت واحد به همراه کارکنان شهرداری از مدتی پیش مسئله اهانت شش

## اخبار جهانی

### لهستان

رشد روز افزون مبارزات کارکنان، کشتن و زدن و اهانت حویان دولت وابسته لهستان را با مشکلات جدی روبرو ساخته است. بدنبال اعتصاب دهقانان لهستانی برای ایجاد اتحادیه واقعی که نماینده منافع آنان باشد و خود داری حکومت از دهان آنها بسال خرد دولت لهستان مجبور بسه مذاکره و پذیرش نیمه رسمی تشکیلات آنان میگردد. کشتن و زدن حتی دولت را مجبور بسه کردن نهادن بخواست خسود مبنی بر برگردان استاندار و دوسا و ن وی در شهر بیلنسکو بیل میکنند. کارکنان بسه بدنبال اعتصاب کشته شده

مبنی بر برخورداری از حقوق بقیه در صفحه ۲۷

## دومین سالگرد قیام بهمن ۵۷

با تبریک به خلقهای قهرمان ایران که قیام شکوه مند بهمن ۵۷ را بشمار رساندند و یکی از رژیمهای دیکتاتوری وابسته به امیرالیم را سرنگون کردند. هموطنان ما از همه اقشار و طبقات انقلابی هدفشان استقلال و آزادی بود و با اتحاد همگی مردم بودند که بعد از ما آنها را اعتماد و نظا هرا -

تھا و درگیریها و شهیدان دهها قیام مسلحا به سهم ما با خلع سلاح اکثر پادگانهای ترکسزو بعضی شهرها و گرفتن رادیوسو تلویزیون پیش رو سپید و جا معه ما بعد از ما لها حقیقان مسزده آزادی را چشیدولی عمرا بسن آزادی کوتاه بود. بعد از مدتی آزادی تنها برای چماق داران

بشمه در صفحه ۲۴